

مباحثی

پیرامون امام مہدیؑ

مولف: آیت اللہ سید محمد باقر صدر

مترجم: لطیف راشدی، سعید راشدی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



انتشارات مسجد مقدّس جمکران

<input type="checkbox"/>	مباحثی پیرامون حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	■ نام کتاب:
<input type="checkbox"/>	آیت سید محمد باقر صدر <small>رحمته الله</small>	■ مؤلف:
<input type="checkbox"/>	لطیف راشدی، سعید راشدی	■ مترجم:
<input type="checkbox"/>	واحد پژوهش انتشارات	■ ویرایش:
<input type="checkbox"/>	امیرسعید سعیدی	■ صفحه آرا:
<input type="checkbox"/>	انتشارات مسجد مقدّس جمکران	■ ناشر:
<input type="checkbox"/>	تابستان ۱۳۸۷	■ تاریخ نشر:
<input type="checkbox"/>	اوّل	■ نوبت چاپ:
<input type="checkbox"/>	عترت	■ چاپ:
<input type="checkbox"/>	۵۰۰۰ جلد	■ تیراژ:
<input type="checkbox"/>	۸۰۰ تومان	■ قیمت:
<input type="checkbox"/>	۰ - ۱۴۹ - ۹۷۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸	■ شابک:

<input type="checkbox"/>	انتشارات مسجد مقدّس جمکران	■ مرکز پخش:
<input type="checkbox"/>	فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران	
<input type="checkbox"/>	۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۴۰	■ تلفن و نمابر:
<input type="checkbox"/>	قم - ۶۱۷	■ صندوق پستی:

«حق چاپ مخصوص ناشر است»

مباحثی پیرامون حضرت مهدی (ارواحنا فداہ)

تالیف: آیت اللہ شہید سید محمدباقر صدر

ترجمہ: لطیف راشدی و سعید راشدی

با تحقیق عالمانہ: دکتر عبدالجبار شرارہ

فهرست مطالب

۷	حمد و ستایش
۷	اما بعد:
۹	خلاصه زندگی نامه حضرت آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر <small>علیه السلام</small>
۹	از میلاد تا مدرسه
۱۱	در نجف اشرف، شهر امامت و فقاہت
۱۲	تعلیم و تربیت
۱۳	حزب دعوت اسلامی
۱۳	جماعة العلماء
۱۶	حمایت از امام
۱۶	دوران مرجعیت
۱۷	تحریم پیوستن به حزب بعث
۱۸	در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی
۱۹	با قرآن در صحنه
۲۱	شهادت
۲۳	باقیات صالحات
۲۴	۱. چگونه می شود که مهدی <small>علیه السلام</small> عمر طولانی داشته باشد؟
۴۱	۲. معجزه و طول عمر
۴۵	۳. ارتباط طولانی شدن عمر امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۵	با ایجاد تغییر و تحول در جهان
۵۱	۴. رهبری در کودکی
۵۶	۵. چگونه ایمان بیاوریم که مهدی ۷ وجود دارد؟
۵۸	دلیل اسلامی
۶۱	دلیل علمی
۶۴	۶. چرا مهدی ظهور نمی کند؟
۶۸	۷. تغییر تاریخ به دست یک نفر
۷۰	۸. تغییر و دگرگونی در روز موعود از چه راهی و چگونه رخ می دهد؟
۷۳	منابع تحقیق

حمد و ستایش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، باری الخلائق اجمعين باعث الانبياء والمرسلين، رافع السموات وخافض الارضين، والصلوة على من اختاره من شجرة الانبياء ومشكوة الضياء ومصايح الظلمه وينابيع الحكمة، مولانا ومولى الكونين، سيدنا وسيد العالمين، الروح المجسد والجسد المروح أعلنى ابوالقاسم المصطفى محمد ﷺ وعلى اولاده الاطيبين الانجيين ولعن الدائم على اعاديهم من الآن الى يوم الدين.

حمد بى بدایت و سپاس بى نہایت سزاوار و شایسته ذاتى است که جهان تاریک را به انوار دانش روشن و صفحات قلوب را به ضیاء معرفت، مزین نمود. و درود فراوان بر سرور کائنات و خاتم الانبياء پیامبر اکرم و گرامى اسلام حضرت محمد ﷺ و بر خاندان مطهر و عترت پاکش حضرت فاطمة زهرا ﷺ و ائمه دوازده گانه ﷺ.

اما بعد:

پیرامون مقوله مہدویت، به برکت و جودى آن امام ہمام - ارواحنا فداہ - به طور مقبول قلم فرسایى گردید. (سعیہم مشکور)، اما ابتکار، عالم و مجتہد مجاہد و فیلسوف و اندیشمند مبارز و انقلابی، مرجع عالیقدر و افتخار آفرین

جهان تشیع استاد علامه حضرت آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر علیه السلام در کتاب گران سنگ خود «بحث حول المهدی» مایه مباهات و خرسندی می باشد.

کتاب یاد شده در عین حجم کم آن، می توان آن را کتابی جامع و مانع و بسیار مبارک و پُر محتوا بشمار آورد.

آن مرجع شهید سعی نموده تا در این کتاب، به شبهات و سؤالات عمده و مهم، پاسخ علمی، منطقی و متقن بدهد، و پاسخ گوی برخی شبهات زمان حیات مبارک خود باشد.

قلم توانمند و منطقی علمی آن مرجع مجاهد، در زمینه های گوناگون فلسفی، منطقی، اقتصادی، تفسیری، کلامی و فقهی را می توان در تمام کتاب هایش به روشنی و وضوح مشاهده کرد و استفاده نمود. سر تا سر مطالب این کتاب، مسلح به منطق قوی و آموزه های علمی می باشد؛ اما در برگردان آن از عربی به پارسی، سعی شده تا عبارات و جملات و مطالب مغلق، روان و سلیس شوند و تقریباً برای همگان قابل استفاده باشد.

به ویژه با تحقیق عالمانه و استادانه آقای «دکتر عبدالجبار شراره» و استخراج منابع و توضیح برخی مطالب در پانویشت، امکان استفاده عامه فراهم شده و تعمیم گردیده است.

بر خود واجب و لازم می دانم تا یادی از آن بزرگ مرجع مجاهد بنمایم و گوشه ای از زندگی سراسر برکت او را به قدر مقتضی بیان نمایم و خواهیم دید که چگونه آن مرد مجاهد و عالم و فقیه مبارز سراسر عمر پُر برکت خود را در راه خدمت به دین مقدس اسلام او اهل بیت علیهم السلام سپری نمود و سرانجام در مسلخ عشق شهید شد و به استکبار، «آری» نگفت.

او در اسلام ذوب شده بود و در واپسین حیات و زندگی پُر برکت خود فرمود:
 «در امام خمینی علیه السلام ذوب شوید، همان سان که او در اسلام ذوب شد.»
 به امید آن که رهروی صادق و خالص آنان باشیم.

خلاصه زندگی نامه حضرت آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر علیه السلام

علامه شهید، آیت الله سید محمد باقر صدر، یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان مسلمان و به تعبیر امام خمینی: «مغز متفکر اسلامی» در تاریخ اسلام به ویژه در قرن چهاردهم هجری است. فقیهی جامع شرایط، فیلسوفی اجتماعی، مفسری بزرگ، متفکری آگاه به فرهنگ و علوم زمانش، نویسنده‌ای توانمند و پرکار و سیاست مداری هوشمند و شجاع و دردمند.

از میلاد تا مدرسه

سید محمد باقر صدر در تاریخ ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۵۳ در شهر مقدس کاظمین دیده به جهان گشود^۱ و دومین فرزند خانواده بود. اجدادش همه از عالمان دین بودند؛ پدرش سید حیدر که جوان مرگ شد، پدر بزرگش آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر که یکی از مراجع بزرگ تقلید شیعه در نیمه اول قرن چهارده اسلامی بود و در سال ۱۳۳۸ هـ ق وفات کرد و دیگر اجدادش که شاخه‌هایی سرسبز و پر بار از شجره پربرکت «خانندان صدر» و از تبار غیرتمند و پاک امام کاظم علیه السلام بوده‌اند و در سرزمین ایران، لبنان و عراق از پاسداران فرهنگ و اندیشه و دانش و دین به شمار می‌رفته‌اند.

برادر بزرگ و معلمش سید اسماعیل نیز از علما و مجتهدان پرتلاش و جوان نجف بود که در سال ۱۳۸۸ هـ ق در چهل و هشت سالگی درگذشت.

۱. مباحث الاصول، سید کاظم حسین حائری، چاپ ۱۴۰۷، قم، مقدمه، ص ۳۳.

خواهرش «آمنه بنت الهدی صدر» یکی از زنان دانشمند، شاعر، نویسنده و معلم فقه و اخلاق بود که در مسیر جهاد و مبارزه، با برادرش سید محمد باقر همگام شد و سرانجام سرنوشت هر دو به شهادت و سعادت ابدی ختم گشت.^۱

سید محمد باقر، از پنج سالگی به مدرسه رفت و تا یازده سالگی دوره ابتدایی را به اتمام رساند. در این دوران، نبوغ شگفت‌انگیز و استعداد سرشار خدادادی او درخشید و تعجب آموزگاران و همکلاس‌های خود را برانگیخت، به طوری که اولیای مدرسه تصمیم گرفتند او را به مدرسه کودکان تیزهوش و نابغه بگذارند تا به هزینه دولت درس بخواند و پس از طی مراحل لازم و قانونی، به دانشگاه‌های اروپا یا آمریکا اعزام کنند و در رشته‌های علوم جدید تحصیل کند و به کشور خود بازگردد.

او به تحصیل علوم دینی و پرداختن به رشته کار پدرانش گرایش داشت و از طرفی مادر و برادر بزرگش رضایت ندادند که او با پول دولت وابسته به غرب و دست اندرکاران خود باخته آموزش و پرورش آن روز عراق، درس بخواند...

بالاخره با راهنمایی دو دایی فقیه و دانشمندش آیت الله «شیخ محمد رضا آل یاسین» و آیت الله «شیخ مرتضی آل یاسین» به فراگیری دروس حوزوی و علوم دینی پرداخت.^۲

تحصیلات علوم دینی را با کتاب «معالم الاصول» نزد برادرش سید اسماعیل آغاز کرد و دیگر کتاب‌های دوره سطح حوزه را با شور و شوق و تلاش بسیار در مدتی کوتاه خواند و تمام کرد.

او علاوه بر تحصیل، دروس ابتدایی را نیز به خواهرش بنت الهدی می‌آموخت

۱. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، مصطفی قلی زاده، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ

۲. همان، ص ۲۳.

۱۳۷۲، ص ۱۸ - ۱۷.

و بنت الهدی بی آنکه به مدارس نامناسب دخترانه آن روز عراق پای بگذارد، نزد برادرش سید محمد باقر و گاه سید اسماعیل، قرآن، ادبیات، تاریخ، حدیث، فقه و اصول و... را آموخت.^۱

در نجف اشرف، شهر امامت و فقاہت

در سال ۱۳۶۵ هـ ق که دوازده ساله بود به همراه برادرش سید اسماعیل به نجف اشرف رفت تا در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه شهر امامت، به تحصیلات عالی پردازد.

او دوره عالی فقه و اصول را در نزد مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی و مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا آل یاسین گذراند.^۲ فُسِفَةُ اسلامی (اسفار ملاصدرا) را از مرحوم «شیخ صدرا بادکوبه‌ای» آموخت و در کنار آن، طی سال‌ها، فلسفه غرب و نظرات فلاسفه غیر مسلمان را به دقت مورد تحقیق و نقد قرار داد.^۳ کتاب «فَلَسَفَتُنَا» (فلسفه ما) گویای ابعاد گسترده اندیشه‌های فلسفی سید محمد باقر صدر است.

در دیگر رشته‌های علوم حدیث، رجال، درایه، کلام و تفسیر نیز سال‌ها به تحصیل و تحقیق و مطالعه گذراند و به کمال رسید.

سید محمد باقر در طول هفده - هیجده سال تحصیل (از آغاز تا پایان) علاوه بر استفاده از هوش و استعداد و نبوغ فوق العاده‌اش، روزانه حدود شانزده ساعت به تحصیل و مطالعه و مباحثه و تحقیق می‌پرداخت.^۴ و خودش نیز همیشه می‌گفته است که من به اندازه چند طلبه درس خوان، تلاش می‌کنم. در سایه

۱. پیشین، ص ۲۴.

۲. مباحث الاصول، مقدمه، ص ۴۲.

۳. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۲۹.

۴. مباحث الاصول، مقدمه، ص ۴۴.

این پشتکار جانانه بود که بر همه مشکلات فایق آمد و در کسب دانش و فضیلت به مقامی عالی دست یافت و گفته‌اند که از هنگام بلوغ شرعی، خود مجتهد شده بوده و از مجتهد دیگری تقلید نکرده است.^۱

تعلیم و تربیت

سید محمد باقر از بیست سالگی با تدریس کتاب «کفایة الاصول»^۲ تعلیم و تربیت طلاب جوان را آغاز کرد. از بیست سالگی به تدریس دروس خارج فقه و اصول و از بیست و هشت سالگی به تدریس دوره خارج فقه بر اساس کتاب «العروة الوثقی»^۳ پرداخت. بعدها فلسفه و تفسیر قرآن نیز تدریس می‌کرد. او در طول نزدیک به سی سال تدریس و تعلیم، شاگردانی جوان، محقق، پرشور، متقی، متفکر، آگاه، مجاهد و سیاست مدار تربیت کرد، که هر یک از آن‌ها بعدها پرچمدار نشر علم و فرهنگ و آیین جهاد در راه خدا شدند و بعد از استادشان، راه علمی، فکری و سیاسی و اجتماعی او را ادامه دادند از جمله:

۱. سید محمد باقر حکیم
۲. سید محمود هاشمی
۳. سید کاظم حسینی حائری
۴. شیخ مهدی آصفی
۵. سید عبدالغنی اردبیلی
۶. شیخ غلامرضا عرفانیان و...^۴

۱. پیشین، ص ۵۲.

۲. از مهم‌ترین کتب اصول فقه شیعی، تألیف آخوند خراسانی، که محور تدریس اصول فقه در سطوح عالی حوزه‌های علمیه است.

۳. کتابی فقهی و بسیار مهم، تألیف مرحوم آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی.

۴. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: مباحث الاصول، ص ۸۳ - ۷۹؛ شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۳۴ - ۳۳؛ گفت و گویی با حجة الاسلام سید محمد باقر مهری، چاپ ۱۳۶۱ ه.ش، ص ۲۰.

حزب دعوت اسلامی

بعضی از عالمان آگاه و روشن بین از جمله شهید سید محمد مهدی حکیم، سید طالب رفاعی، شیخ مهدی سماوی، پس از مطالعه اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق، به این نتیجه رسیده بودند که باید حزبی را مبتنی بر اندیشه و ایدئولوژی اسلامی تأسیس کنند، تا بتوانند مبارزات مسلمانان آن سامان را سر و سامان بدهند و به اهداف خود نائل آیند. پس از مطرح کردن این اندیشه با آیت الله صدر، «حزب الدعوة الاسلامیه» (حزب دعوت اسلامی) را در سال ۱۳۷۷ هـ ق تأسیس کردند.^۱

آیت الله صدر اساس نامه‌ای را نیز بر اساس اعتقادات دینی برای حزب دعوت تنظیم کرد. حزب دعوت به فعالیت خود پرداخت، آیت الله سید محمد باقر صدر پنج سال بعد از تأسیس حزب، بنا به مصالحی خود را از آن کنار کشید. اما به دیگر اعضای حزب توصیه کرد که به کار خود ادامه دهند و او نیز پشتیبان آنان خواهد بود.^۲

جماعة العلماء

در سال ۱۹۵۸ م. «عبدالکریم قاسم» با ظاهری پیشرو و چپ نما به حکومت عراق رسید و میدان را برای کمونیست‌ها باز کرد. در نتیجه آن، موجی الحادی و مخالف اسلام، سرزمین عراق را فراگرفت. حوادث دوران حکومت عبدالکریم قاسم، عالمان آگاه و متعهد شیعه را در آن کشور به حرکت وا داشت. آنان ضروری دیدند که برنامه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فکری مکتب اسلام را

۱. مباحث الاصول، ص ۸۸

۲. همان؛ ص ۸۹ - ۸۸؛ گفت و گویی با سید محمد باقر مه‌ری، ص ۳۵؛ شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۵۸ - ۵۳.

هماهنگ با نیازهای حیات بشر معاصر عرضه نمایند. بدین گونه، تشکیل «جماعة العلماء فی النجف الاشرف» (جامعه روحانیت نجف اشرف) پدید آمد و عالمان بزرگی همچون شیخ مرتضی آل یاسین، شیخ محمد رضا آل یاسین، شیخ محمد رضا مظفر و شهید سید مهدی حکیم (فرزند آیت الله سید محسن حکیم) از اعضای اصلی آن بودند.

سید محمد باقر صدر در آن زمان گرچه به خاطر جوان بودن نسبت به سایر اعضا، که کمتر از سی سال داشت، عضو جماعة العلماء نبود، ولی با آنان همکاری جدی داشت و حتی نخستین بیانیه جماعة العلماء را نیز او نوشت! و اکثر نوشته‌های آنان به قلم او نوشته می‌شد؛ زیرا وی قلمی توانا و نثری محکم و نو داشت و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و فلسفی او نیز وسیع‌تر از دیگران بود. انتشار مجله «الاضواء» در سال ۱۹۶۱ م مهم‌ترین فعالیت فرهنگی جماعة العلماء بود که سرمقاله‌های پنج شماره اول آن تحت عنوان «رسالتنا» به قلم آیت الله سید محمد باقر صدر نگارش یافت و خواهرش بنت الهدی نیز در این مجله مقالات خود را به چاپ می‌رساند.^۱

همزمان با این فعالیت‌ها، به پیشنهاد مرحوم آیت الله سید محسن حکیم - مرجع تقلید وقت - کتاب کم‌نظیر «فلسفتنا» را تألیف کرد.^۲ این کتاب در دو بخش تنظیم شده است:

بخش اول: نظریه شناخت (معرفت) از دیدگاه‌های فلاسفه معاصر، در مقایسه با فلسفه اسلامی.

۱. التحرك الاسلامی فی العراق، شهید سید محمد مهدی حکیم، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۶۰.

بخش دوم: بینش فلسفی اسلام درباره جهان و نقد و رد جهان بینی مادی و الحادی.

از آن پس به بررسی نظام‌های اقتصادی اسلامی و مکاتب شرق و غرب (سوسیالیسم و کاپیتالیسم) پرداخت که حاصل این تحقیق عمیق و بی‌سابقه، کتاب پراج «اقتصادنا» (اقتصاد ما) شد. این کتاب پراج نخستین اثری است که سیستم اقتصادی اسلام را در طرحی علمی و محققانه ارائه کرده و دو بخش است:

بخش نخست: در این بخش مکتب‌های اقتصادی شرق و غرب را بررسی کرده و به محک نقد روشن بینانه و عالمانه زده و مردود و فاقد ارزش دانسته است.

بخش دوم: طرح تفصیلی سیستم اقتصادی اسلام.

این کتاب در سال ۱۳۸۱ هـ ق به چاپ رسید.^۱

۱. مشتاقان می‌توانند برای آشنایی بیشتر به متن کتاب، چاپ شانزدهم، بیروت، ۱۴۰۳ هـ ق. یا به ترجمه آن (اقتصاد ما) جلد اول به قلم آقای محمد کاظم موسوی، و جلد دوم به قلم آقای عبدالعلی سپهبدی، مراجعه نمایند.

حمایت از امام

سید محمدباقر صدر، نهضت امام خمینی در ایران را روزنه امیدی برای نجات امت اسلامی می‌دانست. بنابراین از آغاز نهضت اسلامی امام در سال (۱۳۴۲ هـ.ش)، آن را تحت نظر داشت و از امام و حرکتش حمایت می‌کرد. در تاریخ ۹ جمادی الثانی ۱۳۸۵، حضرت امام خمینی از تبعیدگاه ترکیه به نجف اشرف منتقل شد. ورود امام به حوزه علمیة نجف، جنب و جوشی در آن ایجاد کرد. علما و روحانیون نجف درباره استقبال از امام، نظرات مختلفی داشتند. آیت الله صدر با اشتیاق تمام به همراه عده‌ای از علمای دیگر، در مراسم استقبال از امام شرکت، و شاگردان و همفکرانش را نیز به آن دعوت کرد... در تمام چهارده سال اقامت امام در نجف، سید محمد باقر با ایشان ارتباط نزدیکی داشت و به او عشق می‌ورزید، عشقی که تا آخر عمر در بین او و امام بود.^۱

دوران مرجعیت

دوران مرجعیت آیت الله سید محمدباقر صدر، پس از وفات آیت الله حکیم (۱۳۹۰ هـ.ق) آغاز شد و بسیاری از مردم عراق از او تقلید کردند.^۲ در سال ۱۳۹۲ هـ.ق رژیم بعث عراق، بیش از پیش از تحریک‌های ضد استبدادی حزب دعوت اسلامی و دیگر گروه‌های مبارز و مسلمان به وحشت افتاد، بنابراین با یورش به خانه‌های مبارزان و مجاهدان، عده زیادی را دستگیر و زندانی کردند. آیت الله صدر نیز با اینکه بیمار بود و در بیمارستان نجف بستری شده بود، تحت نظر مأموران سازمان امنیت رژیم بعث قرار گرفت. تا

۱. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۶۱.

اینکه با اعتراض مردم و علما، سازمان امنیت دست از او برداشت.^۱ در سال ۱۳۹۴ هـ ق رژیم بعث عراق، پنج تن از شاگردان و مریدان صدر، یعنی شیخ عارف بصری، سید عزالدین قبنچی، سید عمادالدین طباطبایی تبریزی، حسین جلوخان و سید نوری طعمه، رادستگیر و اعدام کرد! این گروه شهیدان، طلایه دار شهدای انقلاب اسلامی عراق بودند. این حادثه اثر ناگوار و سنگینی بر روح آیت الله صدر گذاشت و مدت‌ها به سختی متأثر و بیمار بود. از حوادث مهم دیگر در دوران مرجعیت آیت الله صدر، حرکت اربعین سال ۱۳۹۷ بود. مردم نجف از قدیم هر سال در روز اربعین حسینی، مویه کنان و عزادار، با پای پیاده از نجف تا کربلا راهپیمایی می‌کنند. در آن سال، آیت الله صدر هر چه در توان داشت به هیئت‌های عزادار مساعدت کرد تا مراسم شورانگیز اربعین را هر چه باشکوه‌تر برگزار نمایند. آن روز ده‌ها هزار نفر در قالب عزاداران حسینی، اعتراض خود را علیه سلطه ضد انسانی رژیم بعث عراق، اعلام کردند.

به دنبال آن قیام تاریخی، آیت الله صدر، رادستگیر و به سازمان امنیت بغداد منتقل کردند، در آنجا پس از بازجویی، هشت ساعت تحت شکنجه جسمی و روحی قرار دادند. آثار آن شکنجه‌ها، تا آخر عمر در بدنش هویدا بود و به سختی می‌توانست از پله‌ها بالا برود.^۲

تحریم پیوستن به حزب بعث

یکی از برنامه‌های خطرناک رژیم بعث عراق، «بعثی کردن نظام آموزش و پرورش» بود. به همه دست اندرکاران امور تعلیم و تربیت از مدارس گرفته تا

۲. همان، ص ۱۰۹-۱۰۷.

۱. مباحث الاصول، ص ۱۰۷-۱۰۵.

دانشگاه‌ها تکلیف کردند که به حزب بعث عراق بپیوندند و برنامه‌های ضد اسلامی آن را در تمام سطوح آموزش کشور اجرا کنند. در این هنگام، آیت الله صدر در مقام مرجعیت و یگانه پرچمدار مبارزه با حزب کافر بعث، با صدور فتوایی، پیوستن به حزب و هرگونه همکاری با آن را تحریم کرد. این فتوا، تکلیف مردم را روشن ساخت و مردم از پیوستن به حزب و عضویت در آن پرهیز کردند. جز اندکی فرومایه و بی‌دین و ترسو.

تأثیر فتوای آیت الله صدر به حدی بود که یکی از مسؤولان حزب در این باره اعتراف کرد:

فتوای سید محمد باقر، همه نقشه‌های ما را نقش بر آب کرده و هیچ کس، جز عده کمی ترسو و بزذل، از پذیرفتن عضویت حزب و همکاری با آن استقبال نکرد.^۱

بدین گونه حزب بعث، دشمن اصلی خود را شناخت.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی

آیت الله صدر، از حامیان صادق امام خمینی و انقلاب اسلامی بود، امام در پاریس بود که سید محمد باقر صدر، طی نامه‌ای پشتیبانی خود را از ایشان و ملت انقلابی ایران اعلام و از مقام شهدای انقلاب، تجلیل کرد. همین فعالیت‌های او بود که ملت مسلمان عراق را به سوی حمایت از مردم ایران سوق می‌داد و رژیم آمریکایی صدام حسین - حاکم خونخوار عراق - را خشمگین می‌کرد. در شب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که شب پیروزی شکوهمند مردم مسلمان و انقلابی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام بر طاغوت آمریکایی - رژیم محمد

۱. گفت و گویی با سید محمد باقر مه‌ری، ص ۵۹.

رضا پهلوی - بود. آیت الله صدر در مسجد جواهری نجف اشرف به منبر رفت و برای مردم مسلمان عراق از انقلاب اسلامی ایران و نقش امام خمینی در احیای اندیشه‌های دینی و اصلاح امت اسلام، سخن گفت و تکلیف مردم عراق را در برابر حکومت ضدّ دینی بعثی، معین کرد: قیام! قیام!...

فردای آن شب، مردم عراق به دعوت رهبر خود، برای حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی علیه السلام، در بسیاری از شهرهای عراق راهپیمایی کردند.^۱

از دیگر کارهای آیت الله صدر، در جهت حمایت از انقلاب اسلامی ایران، تألیف سلسله کتاب‌های «الاسلام یقود الحیاة» در شش جلد بود که شامل بحث‌هایی نظیر: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع قدرت دولت اسلامی، اقتصاد جامعه اسلامی و... می‌شود.

باقرآن در صحنه

از کارهای شگفت‌انگیز آیت الله صدر برای بیداری مردم عراق و آماده کردن آنها برای قیام و حرکت در مقابل حکومت جائر آن کشور، برگزاری تفسیر موضوعی قرآن بود. آن هم بعد از تعطیل کردن درس خارج فقه!

در حوزه علمیه نجف کمتر دیده شده بود که یک مرجع تقلید تفسیر قرآن بگوید؛ آن هم به جای درس خارج فقه، که این بیشتر مایه تعجب دیگران می‌شد. به طوری که برخی از شاگردان او، در این باره از وی سؤال کردند او جواب داد:

«برای من تدریس و تألیف و تحقیق، صورت حرفه و هدف در زندگی ندارد،

۱. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۹۴ - ۸۹.

بلکه ادای وظیفه شرعی به هر نحو ممکن برای من از همه چیز مهم‌تر است. امروز در این برهه از تاریخ اسلام و مسلمین، که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پیروز شده و پوزه قدرت‌های شیطانی شرق و غرب را به خاک مالیده و امت اسلام را در سرتاسر دنیا بیدار کرده است، من وظیفه خود می‌دانم که با تفسیر قرآن، افکار مردم مسلمان عراق را آگاه و آرمان‌های انقلابی اسلام را مطرح نمایم و با بیان مفاهیم شور آفرین، حماسی و اجتماعی قرآن کریم، دل‌ها را برای پیوستن به انقلاب اسلامی ایران آماده کنم... از طرفی، درس خارج فقه و اصول، بیش از حد لازم در حوزه گفته می‌شود، اما جای تفسیر قرآن سخت خالی است!^۱

درس تفسیر شهید صدر هر هفته دو روز از تاریخ ۱۷ جمادی الاول تا ۵ رجب ۱۳۹۹ طی چهارده جلسه برگزار شد.^۲ که بعد از آن رژیم طاغوتی صدام حسین از ترس بیداری مردم، درس تفسیر بیدارگونه آیت الله صدر را به تعطیلی کشاند. درس تفسیر قرآن جنب و جوشی در میان توده مردم به وجود آورده بود. حکومت ظالمانه صدام از این پدیده خجسته اسلامی، به وحشت افتاد و برای جلوگیری از هرگونه تحرک، در یک یورش وحشیانه، همه نمایندگان آیت الله صدر را در تمام شهرهای کشور دستگیر و زندانی کرد. شهید صدر روز ۱۶ رجب ۱۳۹۹ هجری را روز اعتراض و اظهار انزجار از اعمال ظالمانه رژیم اعلام کرد. مردم به اطاعت رهبر و مرجع تقلید خود برخاستند، دست از کارهای خود کشیدند، بازارها را تعطیل کردند و برای بیعت با رهبرشان به خانه او شتافتند... همان

۱. پیشین، ص ۱۰۲.

۲. المدرسة القرآنية، شهید صدر، ص ۲۳۹. مجموع آن چهارده جلسه درس تفسیر قرآن در کتاب «المدرسة القرآنية» تدوین شده است.

شب آیت الله صدر دستگیر و روانه بغداد شد. در سازمان امنیت بغداد، از او خواستند که دست از پشتیبانی انقلاب اسلامی بردارد و مردم عراق را تحریک نکند. اما شجاعانه جواب داد.

«من یک مسلمانم و در برابر سرنوشت همه مسلمانان جهان - و نه تنها عراق و ایران - مسؤل هستم و باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم و وظیفه شرعی منحصر به ایران و عراق نیست. حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن هم، یک وظیفه شرعی است!»^۱

همان روز بنت الهدی، به ایراد یک سخنرانی در حرم امام علی علیه السلام پرداخت و از مردم خواست که به خیابان‌ها بریزند و در مقابل دستگیری آیت الله صدر، به رژیم بعثی اعتراض کنند. همین گونه نیز شد و رژیم برای ایجاد آرامش و جلوگیری از گسترش اعتراض مردم، مجبور شد که آیت الله صدر را آزاد کند.^۲

شهادت

روز ۱۸ رجب ۱۳۹۹ هـ.ق، خانه آیت الله صدر و کوچه‌های اطراف آن از اول صبح تا پاسی از شب، مملو از جمعیتی بود که دیروز برای آزادی رهبرشان دست به تظاهرات اعتراض آمیز زده بودند و امروز آمده بودند تا بار دیگر با او بیعت کنند.

رژیم ستم پیشه صدام حسین، از تجدید پیمان امت مسلمان عراق با مرجع و رهبرشان، سخت به وحشت افتاد و برای قطع رابطه مردم با آیت الله صدر، نیروهای امنیتی را در سر کوچه آیت الله صدر و کوچه‌های اطراف، مستقر کردند. بدین گونه محاصره نه ماهه خانه آیت الله صدر آغاز شد.^۳

۱. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۱۲۲ - ۱۰۹.

۳. همان، ص ۱۲۵.

در مدت نه ماه محاصره، رژیم با فرستادن مأموران و مزدوران خود به نزد آیت الله صدر، سعی کرد او را از راهی که در پیش گرفته، منصرف کند، ولی آیت الله صدر ثابت و استوار ایستاد و همچنان از انقلاب اسلامی ایران و امام و مردم انقلابی ایران حمایت کرد و هرگز به خواسته‌های رژیم خونخوار صدام، گردن ننهاد.^۱ تا اینکه در بعد از ظهر گرم و سوزان روز شنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۰ (۱۶ فروردین ۱۳۵۹)، «ابوسعید» رئیس سازمان امنیت نجف، با عده‌ای از مزدوران امنیتی، آیت الله صدر را دستگیر و به سرعت از نجف به بغداد منتقل کرد. آیت الله صدر این بار می‌دانست که دیگر بر نخواهد گشت، چون وقتی ابوسعید جنایتکار گفت: «آماده باشید به بغداد برویم!» به آرامی گفت:

«من خیلی وقت است که آماده شهادتم!»

فردای آن روز، حکومت جبار بغداد، اقدام به دستگیری بنت الهدی کرد، چون بیم داشت مبادا بنت الهدی بار دیگر مردم را به اعتراض و تظاهرات دعوت کند و رژیم را رسوا نماید!

«برزان ابراهیم»، برادر ناتنی صدام و رئیس سازمان امنیت کشور، در زندان از آیت الله صدر خواست که فقط چند کلمه بر ضد امام خمینی و انقلاب اسلامی بنویسد، تا آزاد شود و گرنه کشته خواهد شد!

آیت الله صدر این خواسته آن آدمکش را رد کرد و گفت:

«من آماده شهادتم، هرگز خواسته‌های غیر انسانی و ضد دینی شما را قبول

نخواهم کرد و راه من همان است که انتخاب کردم!...»^۲

وقتی که مزدوران بعثی، از منصرف کردن آیت الله صدر و خواهرش مایوس

۱. پیشین، ص ۱۳۵ - ۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۴۱.

شدند، آن دو علوی پاک نژاد مظلوم را در روز سه شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۴۰۰ هـ ق (۱۹ فروردین ۱۳۵۹ هـ ش) زیر شکنجه به شهادت رساندند. جنازه آن دو شهید در جوار مرقد امام علی علیه السلام در آرامگاه خانوادگی «شرف الدین» به خاک سپرده شد.^۱

امام خمینی، در پیامی که به مناسبت شهادت مظلومانۀ آن دو شهید داد، سوگ مندانۀ نوشت:

«.. مرحوم آیت الله شهید سید محمد باقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود، به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجۀ رفیعۀ شهادت رسیده‌اند. شهادت ارثی است که امثال این شخصیت‌های عزیز از موالیان خود برده‌اند...»^۲

باقیات صالحات

آثار قلمی متفکر بزرگ، شهید سید محمد باقر صدر، همه علمی، تحقیقی، ابتکاری، کم نظیر و مورد استفاده و مراجعه اندیشمندان و اهل علم و مصداق روشن «باقیات صالحات» است.

در اینجا به معرفی فهرست گونه این آثار درخشان می‌پردازیم:

۱. فدک فی التاریخ (فدک در تاریخ).

۲. غایة الفکر فی علم الاصول.

۳. فلسفتنا (فلسفه ما).

۴. اقتصادنا (اقتصاد ما).

۲. صحیفۀ نور، ج ۱۲، ص ۵۷.

۱. پیشین، ص ۱۴۴.

۵. الاسس المنطقية للاستقراء.
 ۶. المعالم الجديدة للاصول.
 ۷. بحوث في شرح العروة الوثقى.
 ۸. دروس في علم الاصول، معروف به «حلقات».
 ۹. الفتاوى الواضحة، رسالة عملیه شهید صدر است که در نوع خود سبک خاصی دارد.
 ۱۰. البنك اللاربوی فی الاسلام (بانک بدون ربا در اسلام).
 ۱۱. المدرسة الاسلامية، بحث‌های اجتماعی و اقتصادی است.
 ۱۲. بحث حول المهدي عليه السلام.
 ۱۳. بحث حول الولاية.
 ۱۴. الاسلام يقود الحياة (اسلام راهنمای زندگی).
 ۱۵. المدرسة القرآنية، درس‌های تفسیر موضوعی قرآن.
 ۱۶. دور الائمة في الحياة الاسلامية (نقش امامان در اسلام).
 ۱۷. نظام العبادات في الاسلام (نظام عبادی از نظر اسلام).
 ۱۸. حاشیه بر رساله عملیه آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین، تحت عنوان «بلغة الراغبین» که هنوز هم چاپ نشده است.
 ۱۹. حاشیه بر «منهاج الصالحین» آیت الله حکیم.
 ۲۰. حاشیه بر مناسک حج آیت الله خوئی.
 ۲۱. حاشیه بر بخش نماز جمعه از کتاب شرائع الاسلام.
 ۲۲. موجز احکام الحج، مختصری از احکام حج.
- ثواب این کتاب به روح بزرگ و مطهر آن مرجع تقلید و فیلسوف فرزانه اهدا می‌نماییم، به امید آن که در روز حشر و نشر از شفاعتش بهره‌مند گردم.

نیز به امید خشنودی مولایمان حجت بن الحسن امام زمان - ارواحنا فداه -
و گوشه چشمی که؛ «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ فَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُزْجِيَةٍ
فَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا وَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»
و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.

قم مقدسه

العبد: لطيف مطوف راشدى

جریان مهدویت، تنها یک ایدئولوژی، تفکر و اندیشه اسلامی نیست که از نظر آموزش دینی مورد توجه قرار گیرد و تلقین‌های دینی، آن را در افکار مردم جای دهد؛ بلکه این جریان، یک الهام فطری^۱ است که در مقابل عقاید و تفکرات دیگران، ایام و روزهای وعده داده شده درخشانی برای تمام مردم مجسم می‌کند تا در آن، تمام ادیان الهی با همه ابعادشان محقق شوند؛ نیز هدف و آرمان نهایی آن است که این جریان پس از سختی و تلاش‌های طولانی در طول تاریخ در مسیر مطمئن خود قرار می‌گیرد.

جریان مهدویت، فقط یک تفکر دینی که در اذهان انسان‌های دیندار وجود داشته باشد، نیست؛ بلکه این جریان در افکار مادیون و کسانی که افکار غیبی را قبول ندارند و همیشه، تاریخ را بر اساس همین تناقضات تفسیر می‌کنند، وجود دارد.^۲ در آن روز، تمام این تناقضات بر طرف می‌شود و صلح و امنیت در آن،

۱. اشاره به این است که در ضمیر و وجدان انسان‌های ثابت وجود دارد و در نزد برخی ملت‌ها به صورت اعتقادی همه گیر هست؛ زیرا در وجدان انسان‌ها احساس و شعوری بسیار قوی نهفته است که هنگام شدت گرفتن مشکلات، گسترش ظلم و بزرگ شدن آنها به صورت طلب و نیاز یک منجی ظهور می‌کند و این چیزی است که پیامبران بزرگوار آن را مزده داده‌اند و تاریخ تمدن انسان از آن حکایت می‌کند. ر.ک: سیدة الائمة الاثنی عشر؛ هاشم معروف حسینی، ج ۲، ص ۵۱۶، به نقل از کتاب‌ها و مصادر مختلف از جمله: نظریة الامامة عند الشيعة؛ دکتر احمد محمود صبحی.

۲. اشاره به عقاید و آرزوهای مارکسیست‌ها به روز موعودی که طبق عقیده آنان در آخر الامر منجر به حاکمیت کمونیست‌ها می‌شود و جدال و درگیری‌های تلخ، با توجه به این نظریة معروف ماتریالیسم تاریخی پایان خواهد پذیرفت. ر.ک: فلسفه ما (فلسفتنا)؛ شهید صدر، ص ۲۶، ذیل مناقشة این نظریه.

حکومت خواهد کرد. این چنین تجربه‌های شخصی که در طول تاریخ با انسان‌ها همراه بوده به صورت تجاربی وسیع و تعمیم یافته، بین انسان‌ها مطرح می‌شود. این الهام و شعور باطنی که در تمام مردم وجود دارد از روشن‌ترین الهامات بشری است و زمین بعد از آنکه از ظلم و جور پر شد، توسط یکی از اولیا الهی پر از عدل و داد می‌شود.^۱

زمانی که قرار باشد این الهام فطری مورد تأیید دین و ایمان قرار گیرد و عقیده مذهبی که مستقیماً به خداوند منسوب است، این تفکر و شعور را در ذهن به عنوان یک یقین و باور کامل پی‌ریزی کند و این حقیقت را با کمال صراحت تأکید کند که زمین در آخرین روزهای خود از عدل و داد پر می‌شود. در این موقع این شعور باطنی به شکل یک ایمان مستحکم، سرنوشت انسان‌ها را روشن می‌کند.

اثر ایمان و یقین فقط این نیست که انسان‌ها را در مقابل سختی، درد و مشکلات تسلی دهد و نگرانی را تبدیل به آرامش کند؛ بلکه باید گفت که در مقابل ناراحتی و ناامیدی ای که در مردم وجود دارد، یاری دهنده مظلومان و مردم را آماده قبول کردن تمام ظلم و ستم‌ها نماید.

ایمان به جریان مهدویت، عامل تقویت‌کننده و نیرو دهنده‌ای است که نیروی مقاومت و ایستادگی را در دل مظلومان به وجود می‌آورد و از خاموش شدن مشعل انتقام مظلومان و گردباد ناامیدی، جلوگیری نماید.

این جریان که با اعتقاد دینی آمیخته است، ثابت می‌کند که در آینده، جریان

۱. این قسمت اشاره به این حدیث متواتر دارد که «اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند در آن روز مردی از اهل بیت را برمی‌انگیزد که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان طور که پر از ظلم شده بود». ر.ک: سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۷.

عدالتگرا می‌تواند با ظالمان درگیر شود و پایه‌های ظلم را نابود کند و جهان جدیدی بسازد. هر چقدر ظلم و ستم در جهان فراگیر شود و بر مقدرات تسلط یابد، بالاخره باید روزی از بین برود و هر چقدر توانا باشد مانند ظلم، یک جریان غیرطبیعی است.^۱ این سیر، آرزوی هر انسان و ملت مظلومی است که چه زمانی می‌رسد تا در جهان، تغییرات سالم صورت گیرد و بنای ظالمانه جهان از نو ساخته شود.

تفکر مهدویت از اسلام جلوتر و وسیع‌تر است و نقش اسلام در دگرگونی چنین تفکری بسیار خوب بوده است؛ چون اسلام توانست تفکر مهدویت را که در ابتدا، نیروی عدالتگرای ناشناخته‌ای بود که ظلم را از جهان ریشه کن می‌کرد به یقین و باوری صددرصد در آورد و منجی بشریت را با تمام خصوصیاتش به همه شناساند و مردم به این مطلب رسیدند که منجی آینده، در حال حاضر هم وجود دارد و او نیز هم گام و هم صدا با مردم برای ایجاد دگرگونی و گسترش عدالت در جهان، لحظه شماری می‌کند.

اسلام، مهدی علیه السلام را یک تفکر حقیقی که باید در آینده یافت شود و همچنین به عنوان یک حقیقت مجهول که باید تازه شکل گیرد و به وجود آید، معرفی نمی‌کند؛ بلکه اسلام، مهدی علیه السلام را به عنوان یک حقیقت زنده معرفی می‌کند که منتظر قیام او هستیم و او فرد شناخته شده‌ای است که در کنار ما زندگی می‌کند و برای تمام ناراحتی‌ها، مشکلات، جنگ‌ها، ظلم‌ها و جنایت‌ها که در جای جای

۱. این مطلب اشاره به وعده الهی در قرآن دارد: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ: می‌خواستیم بر ضعفای این دیار منت گذاریم و پیشوایان و وارثان زمین قرارشان دهیم.» قصص، آیه ۵ و همچنین این آیه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَنُؤْتِرَهُ الْكُفْرَانِ: تا بر همه آیین‌ها پیروزش کند، حتی اگر مشرکان کراهت داشته باشند.» توبه، آیه ۳۳. در مورد تفسیر این دو آیه درباره امام زمان «عجل الله تعالی» رک: ینابیع المودة، ص ۴۵۰.

جهان رخ می‌دهد، ناراحت و غمگین می‌شود و منتظر روزی است که دست هر مظلومی را بگیرد^۱ و ظالمان را از بین ببرد.

ولی تقدیر الهی این گونه است که این رهبر خودش را به مردم معرفی نکند و بر خلاف اینکه در همین جهان زندگی می‌کند، رازش را برملا نکند و همراه دیگران، منتظر آن روز موعود باشد. روشن است که تفکر اسلامی به وجهی که گفته شد، فاصله بین تمام مظلومان جهان و مهدی عجل الله تعالی فرجه را نزدیک‌تر کرده و پلی را که بین این دو است را کوتاه‌تر خواهد کرد، حتی اگر این انتظار طولانی‌تر شود. اعتقاد به مهدی عجل الله تعالی فرجه به گونه‌ای که اسلام آن را معرفی کرده که او انسان زنده‌ای است و همانند ما زندگی می‌کند و همانند ما منتظر آن روز است، اعتقاد عدم پذیرش ظلم و ستم را به صورت دایم و کامل به ما می‌بخشد که این تفکر را در چهره ظلم ستیز او مجسم کنیم. مهدی عجل الله تعالی فرجه به زودی ظهور می‌کند و پیمان هیچ ظالمی را به گردن ندارد؛^۲ پس ایمان به او، نشانه عدم قبول ظلم و هم صدایی با اوست.

۱. این موضوع اشاره به بشارت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دارد که در حدیث شریفی فرمود: «إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ، يَخْرُجُ يَعْيشُ خَنَسًا أَوْ سَبْعًا (الشك من الراوي) قال: قلنا: وما ذلك؟ قال: بينين، قال: فيجىء إليه الزجل فيقول يا مهدى أعطني اعطني قال: فيحشى له في توبه ما استطاع أن يخيله؛ در امت من مهدی وجود دارد، او قیام می‌کند و پنج یا هفت سال زندگی می‌کند (شک این تعداد از راوی است) پرسیده شد: یعنی چه؟ گفت: یعنی سال‌ها زندگی می‌کند. فرمود: اشخاص و مردان نزد او می‌آیند و درخواست می‌کنند، ای حضرت مهدی به ما عطا کنید، پس از آن، به آنها آن قدر می‌دهد که توانایی حمل آن را داشته باشند.» این روایت در صحیح ترمذی آمده است. ر.ک: التاج الجامع للاصول؛ شیخ منصور علی ناصف، ج ۵، ص ۳۴۳ و اشارات زیادی بر این دارد که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه زنده و سالم در میان امت زندگی می‌کند و قیام و زندگی‌اش هفت سال طول می‌کشد، این به معنای ظهور و برپایی حکومت مبارکی است که همراه با عدالت و آزادی می‌باشد.

۲. روایت شده که: «او در حالی ظهور می‌کند که بیعت هیچ ظالمی را به گردن ندارد». احتجاج، ج ۲، ص ۵۴۵.

به همین سبب در احادیث، انتظار فرج توصیه شده، انتظار فرج، عاملی است که تفکر ظلم ستیزی و نیز رابطه مردم منتظر با رهبری را تقویت می‌کند و باعث زنده شدن تفکر ظلم ستیزی در اذهان مردم می‌گردد؛ البته این ارتباط بین مردم مظلوم و رهبر انتقام گیرنده در صورتی ممکن می‌شود که مردم، رهبر خود را زنده و شاهد در میان خود ببینند.^۱

اعتقاد به زنده بودن مهدی علیه السلام نیرویی در مردم منتظر به وجود می‌آورد که هرگاه مردم به این مطلب برسند که رهبرشان شاهد مظلومیت، ناکامی، سختی و شکنجه‌های آنان است و با آنها هم دردی می‌کند، موجب آرامش و کمتر شدن ناراحتی‌هایشان را فراهم می‌آورد.

اما اکنون، اعتقاد به زنده بودن مهدی علیه السلام باعث شده است که عده‌ای از انسان‌های کوتاه فکر نتوانند چنین تفکری را هضم کنند و اصل مسئله گسترش عدالت در جهان، توسط منجی را منکر شوند.^۲

۱. این موضوع به آن اشاره دارد که وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام رویا و اندیشه‌ای خالی و مجرد نیست که افکار مظلومان را به خود معطوف داشته و آنها را سرگرم و احساساتشان را مشغول کرده؛ بلکه یک حقیقت زنده، عینی و مجسم است که به طور دقیق در ذات و وجود انسان‌ها می‌باشد. این اندیشه همراه وجود آنهاست و با آن زندگی می‌کنند. مردم با این اندیشه خود را برای پیوستن به قیامی که رهبر منتظر؛ یعنی حضرت مهدی علیه السلام آن را رهبری خواهد کرد، آماده می‌کنند و در انتظار هستند و اگر مجرد یک اندیشه و رویای خالی باشد، انتظار نمی‌رود که یک پیوستگی وجودی و وجدانی و عاطفی میان این اندیشه و وجدان انسان‌ها باشد. از اینجا اهمیت موضوع انتظار را متوجه می‌شویم و فلسفه و اهداف آن تبیین می‌شود و در یک جمله می‌توان گفت: این حالت انتظار و آمادگی برای پذیرش منجی مصلح حتی قبل از ظهور انبیا وجود داشته است.

۲. این سؤال برای برخی از مردم است و در واقع می‌توان جواب مختصر و سریعی داد؛ گر چه جواب آن به طور مفصل داده خواهد شد. الف- از نظر منطقی محال نیست؛ زیرا این موضوع در حوزه امکان است و وقوع آن امکان دارد. ب- به طور معمول وقوع چنین امری محال نیست؛ زیرا

آنها می‌پرسند: مهدی علیه السلام که تا به حال ده‌ها قرن زندگی کرده و شاید قرن‌های دیگری زندگی کند، چگونه می‌شود که برخلاف قوانین طبیعت چنین عمر طولانی داشته باشد؟

همچنین می‌پرسند: چرا خداوند، منجی بشریت را ده‌ها قرن قبل به دنیا آورد تا برای اصلاح جهان زنده نگاه دارد؟ آیا ممکن نبود که هرگاه جهان، صد در صد آماده پذیرش شد، همان زمان فردی را به دنیا آورد و به او قدرت بدهد که جهان را پر از عدل و داد کند؟^۱

همچنین می‌پرسند: مهدی علیه السلام فرزند امام یازدهم علیه السلام است.^۲ وی در سال

→ در گذشته به نص صریح قرآن کریم در مورد حضرت نوح اتفاق افتاده، آنجایی که می‌فرماید: «فَلْيَبْثُ فِيهِمْ آلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا؛ نوح در میان قومش پنجاه سال کمتر از هزار سال زنده ماند.» عتکبوت، آیه ۱۴. نظایر این امر در حال حاضر هم امکان‌پذیر است.

۱. این عقیده گروهی از برادران اهل سنت است. ر.ک: تاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۶۰.
۲. این پرسش‌ها از قبل بوده است و هم اکنون با شیوه‌های گوناگون وجود دارد و سند تمامی آنها اوهام و گمان‌های باطلی است که پایه علمی ندارند؛ بلکه شک‌هایی محض و تلاش‌هایی مذبحخانه برای گریز از اصل و لوازم ضروری این موضوع است. چیزی شبیه پاسخ‌های تردیدآمیز مادیون و ماتریالیست‌ها است، زمانی که با دلایل عقلی و علمی در مورد وجود خداوند متعال روبرو شدند؛ به یک سری مغالطه و تأویلات زشت که دال بر عدم پذیرش دلایل و براهین محکم و قوی است، متوسل شدند، نظیر گفته آنان: اگر خدا وجود دارد، چرا ما او را نمی‌بینیم؟ و چرا چنین و چنان نمی‌کند؟ همچنین موضع این افراد در رابطه با دلایل منطقی و روایات متواتر و محکم در مسئله امام مهدی علیه السلام که بیشتر مسلمانان اعم از سنی و شیعه بر آن اتفاق نظر دارند و جای شبهه و انکار برای کسی باقی نمی‌گذارد تا به این موضوع شک برانگیز و بی‌پایه پناه آورند که: چرا امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را معرفی نکرد؟ آنان نیز این پندار زشت را به وجود آوردند و آن را با توسل به زور به شیعیان نسبت دادند که شیعیان هر روز بر در سرداب آمده و فریاد می‌زنند و از امامشان ظهورش را می‌خواهند؛ البته آنان در اینکه کدام سرداب است، اختلاف نظر دارند. عده‌ای گفتند: در سامرا و عده‌ای دیگر گفتند: در نجف و گروه دیگر گفتند: در جایی دیگر، شأن این منکرین همین چیزهایی است که همواره حرف‌های بی‌منطق و ضد و نقیض می‌زنند و کارهای بیهوده انجام می‌دهند. ر.ک: راه و روش حل مسئله که در مقدمه آمده است.

۲۵۶ هجری به دنیا آمد^۱ و پدرش در سال ۲۶۰ هجری از دنیا رفته؛ یعنی او در زمان مرگ پدرش چهار یا پنج سال بیشتر نداشته است. این سن برای رهبری صلح جهانی، کم می باشد و پدرش نیز نبوده تا او را برای چنین کاری آماده کند؛^۲ چگونه او از نظر دینی، فکری و عملی برای چنین کار بزرگی آماده شده است؟! همچنین می پرسند: چگونه رهبری که قدرت دارد و می تواند جهان پر از ظلم و فساد را پر از صلح و آرامش کند؛ چرا زودتر قیام نمی کند تا مردم جهان کمتر سختی بکشند؟^۳

همچنین می پرسند: فرض کنیم که چنین چیزی امکان دارد؛ ولی آیا می توان حقیقتی را بدون دلیل عقلی و شرعی قبول کرد و تنها به چند حدیثی که از

۱. شیخ مفید در «ارشاد»، ص ۳۴۶. شیخ شعرانی در «الیواقیت» و «الجواهر»، ج ۲، مبحث ۶۵، که هر دو از محققین و بزرگان سنی و شیعه هستند، ولادت باسعادت امام زمان «عجل الله تعالی» در سال ۲۲۵ هجری قمری را ثابت کرده اند. این چیزی است که شک و تردیدهای برخی از مدعیان دانش را به شدت رد و باطل می کند: «الائمة اثنا عشر کلهم من قریش: ائمة شیعیان، دوازده نفراند که همگی از قریش می باشند.» این حدیث برای افرادی است که معتقد و ملتزم به ائمة دوازده گانه که از عترت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، می باشد که اولین آنها امیرمؤمنان علی علیه السلام و آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام می باشد. تمام نص ها و احادیثی که وارد شده بر وجود ائمة دوازده گانه، صدق می کند و حدیث متواتر ثقلین پشتوانه محکمی بر آن می باشد. حدیث «من مات لا يعرف امام زمانه: کسی که امام زمانش را نشناسد و بمیرد...»، شاهد محکمی بر این عقیده است که جز در میان معتقدان ائمة دوازده گانه - شیعیان - کسی آن را قبول ندارد. ر.ک: الاصول العامة للفقهاء المقارن؛ علامه محمدتقی حکیم، بحث حجیت سنت، ص ۱۴۵ و بالاتر.

۲. طبق نص صریح قرآن کریم، کسی که عهده دار کفالت و نگهداری عیسی علیه السلام در طفولیت شد و به یحیی علیه السلام در کودکی حکمت و حکومت بخشید، می تواند عهده دار زندگی و آماده شدن کسی شود که قرار است زمین را در آخر الزمان از ظلم و جور تطهیر کند. ر.ک: التاج الجامع للاصول؛ ج ۵، ص ۳۴۱ - ۳۴۳.

۳. این مسئله در گرو شرایط خاص خود است، همان طوری که بر اساس مقتضای حکمت، تأخیر ارسال پیامبران و حتی زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بر خلاف نیاز جامعه و مردم به آنان حکم شده و در این مسئله نیز چنین است.

طرف پیامبر ﷺ نقل شده، کفایت کرد؟^۱

همچنین می‌پرسند: چگونه یک نفر می‌تواند این همه تغییرات در سطح جهان به وجود آورد؟ چون او هر چقدر هم که بزرگ باشد، نمی‌تواند تاریخ را بسازد؛ زیرا تاریخ بر اساس یک سری مقدمات پنهان و حل درگیری‌های اجتماعی شکل می‌گیرد؛ ولی فرد برجسته، مورد انتخاب سیر تاریخ قرار می‌گیرد که اتفاقات جهان به دست او انجام می‌شود.^۲

نیز می‌پرسند: این فرد از چه طریقی می‌تواند با تمام حکومت‌های باطل و ظالم روبرو شود تا در عمق تمام ملت‌ها نفوذ کند و به شکل دائمی مالک تمام هستی مردم جهان شود و آنها را از بین ببرد و در برابر تمام قدرت‌های علمی، سیاسی، اجتماعی و نظامی پیروز شود؛ او با کدام قدرت می‌تواند، چنین کاری را انجام دهد؟^۳

این مسائل و اشکالاتی که در اذهان منکران جای گرفته و بر زبان جاری

۱. همان طور که خواهد آمد علمای امت اسلامی بر صحت احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اجماع و اتفاق نظر دارند و فقط کسانی که به احادیث آشنایی ندارند، معتقد نیستند. ر.ک: التاج الجامع للاصول؛ ج ۵، ص ۳۶۱.

۲. ما در تاریخ مشاهده نموده‌ایم که قهرمانان چه کارهایی در تاریخ امت‌های خود به ثبت رسانده‌اند. شهید بزرگوار سید محمد باقر صدر در اینجا راهکار و توضیحی اصیل و بسیار مهم برای حرکت تاریخ و نقش یک قهرمان تاریخی و اهمیت شرایط تثبیت شده در تأثیر به ما ارائه می‌دهد. توماس کارلیل در کتاب قهرمانان به نقش قهرمان اشاره نموده است در صورت لزوم به کتاب مذکور رجوع کنید؛ ترجمه دکتر صباغی، چاپ مصر، مجموعه هزار کتاب.

۳. در اینجا اشاره‌ای است به سلاح‌های کشتار جمعی که برتر از تمدن و تکنولوژی و شامل رسانه‌های جمعی و ارتباطی، صوتی و تصویری و تأثیرات شگفت آنها است، در حالی که دیده‌ایم چگونه سلاح‌های پدافندی در مقابل این سلاح‌ها اثر خود را از دست می‌دهند و همچنین مشاهده کرده‌ایم تأثیر معنویات در ناکامی و خنثی کردن اثر سلاح‌های مختلف دشمن و یا کاهش اثر این سلاح‌ها به اندازه بسیار زیاد که غالباً در انقلاب‌ها و قیام‌های مردمی رخ داد.

می‌کنند و قیل و قال به راه می‌اندازند؛ البته این گونه حرف‌ها نتیجه پژوهش‌های فکری نیست؛ بلکه این تفکرات منشأ روانی نیز دارد و آن این است که آنها به سبب هیبت و عظمت ظلم و ظالمان و ناامیدی از شکست دادن آنها، چنین تفکراتی دارند.

آنها، ظالمان و استعمارگران را قدرتمند می‌بینند و قدرت آنها به حدی در چشم و مغزشان جای گرفته که تصور از بین رفتن آنها برایشان محال است و به همین سبب سخنانی که در مورد شکست ظالمان می‌شنوند، باور نمی‌کنند و همین امر باعث شده که آنان چنین تفکراتی داشته باشند و به راحتی عقاید مهدویت را رد کنند.

در این کتاب پرسش‌های بالا را بررسی می‌کنیم.

۱. چگونه می‌شود که مهدی علیه السلام عمر طولانی داشته باشد؟

چگونه می‌شود که انسان، قرن‌ها زندگی کند؟ اگر مهدی علیه السلام مصلح جهانی باشد، او در حال حاضر ۱۱۰۰ سال عمر دارد و به این مطلب اعتراف کرده‌ایم که او حدود چهارده برابر انسان‌های معمولی عمر کرده است.

در مورد هر امکانی می‌توان در سه بعد سخن گفت:

(۱) امکان عملی

(۲) امکان علمی

(۳) امکان منطقی یا فلسفی

امکان عملی؛ یعنی اینکه وقوع موضوعی ممکن و طبیعی باشد و محقق هم

بشود؛ مثلاً گردش در اطراف کره زمین و فرورفتن در اعماق دریاها و سفر به کره ماه، اتفاق افتاده و امکانی عملی است.

امکان علمی؛ یعنی موضوعی که از لحاظ علمی قابل انجام دادن باشد؛ ولی در خارج، امکان وقوع آن نباشد؛ مثل: سفر به مریخ که از لحاظ علمی امکان پذیر است؛ ولی به علت نبود امکانات و وسایل مورد نظر تا به حال انجام نشده و ممکن است زمانی این مشکلات حل شود؛ اما سفر به سیاره خورشید، نه تنها از لحاظ عملی، بلکه از لحاظ علمی نیز امکان پذیر نیست؛ به این علت که هنوز امکان ساخت وسایل و ابزاری که بتوان با آن به خورشید سفر کرد، وجود ندارد؛ از طرف دیگر هیچ وسیله‌ای تحمل مقاومت در برابر گرما و حرارت خورشید را ندارد.

«امکان منطقی یا فلسفی»، این است که امکان وجود حقیقتی در دنیا غیرممکن نباشد و هر موضوعی که امکان وجود آن بر اساس قوانین عقلی که تجربه شده است، محال به نظر نرسد؛ مثلاً: تقسیم کردن سه پرتقال به دو قسمت مساوی، بدون اینکه هیچ یک از پرتقال‌ها نصف شود، یک موضوع محال و غیرممکن فلسفی است؛ زیرا عدد سه فرد و به دو تقسیم کردن، زوج است. لازمه تقسیم کردن سه بدون نصف کردن به دو، این است که عدد سه، هم زوج و هم فرد باشد و این از لحاظ قوانین فلسفی غیرممکن است؛ ولی نسوختن بدن انسان با آتش، غیرممکن فلسفی نیست و وقوع آن از لحاظ قوانین فلسفی، امکان پذیر است؛ این موضوع برخلاف تجربه انسانی است که هر آنچه حرارتش بیشتر باشد در چیزی که حرارت کمتری دارد اثر می‌گذارد؛ پس با این توضیحات به این نتیجه می‌رسیم که امکان منطقی وسعتش از امکان علمی و امکان علمی وسعتش از امکان عملی بیشتر است.

شکی نیست که طولانی شدن عمر انسان به هزاران سال، از لحاظ فلسفی موضوعی ممکن است. این موضوع مستلزم یک محال عقلی از قبیل تضاد یا

تناقض نیست تا اینکه بگوییم از لحاظ قوانین فلسفی محال است. نمی شود گفت که معنی حیات، زنده بودن است که به زودی به مرگ منتهی می شود و نمی شود گفت: سرعت مرگ و یا مرگ زودرس داخل معنی حیات است؛ پس چون طول عمر مستلزم حیات و زندگی ای است که دیرتر مرگ را به همراه دارد و در طول عمر تناقض به وجود می آید، به صورتی که در معنی طولانی شدن عمر دو تناقض حاصل شود: ۱. «حقیقت حیات» ۲. «دیررس بودن مرگ»؛ در معنی حیات، زودرس بودن مرگ وجود دارد که برخلاف دیررس بودن مرگ است. بنابراین در مفهوم طول عمر، اجتماع نقیضین وجود دارد که آن هم غیر ممکن می باشد.

اما این گونه نیست؛ چون زندگی مادی یعنی زنده بودن که در نهایت به مرگ ختم می شود، ولی زودرس بودن، به آن معنا نیست. امکان عملی طولانی شدن عمر انسان غیر ممکن است. ما در عصری زندگی می کنیم که انسان تا قعر اقیانوس ها می رود و پای بر کره ماه می گذارد؛ ولی نمی تواند وسیله ای اختراع کند تا عمر یک فرد هشتاد ساله را به هزار سال برساند، وگرنه تمام سرمایه داران و حاکمان تمایل دارند که عمرشان هزاران سال طول بکشد و تا جایی که می توانند در این جهان زندگی کنند.

امکان علمی طولانی شدن عمر انسان، از لحاظ علوم روز به ویژه فرمول های فیزیولوژیکی هیچ مشکلی ندارد و باید درباره این موضوع به عوامل پیری که منجر به مرگ می شود، بررسی و تحقیق کرد.

باید این سؤال را بررسی کرد که آیا پیر شدن، یک حالت طبیعی و قانون تکوینی برای بدن است که از آن گریزی نیست؟ آیا سلول های بدن، عمر مشخصی دارند که در پایان از بین می روند؟ آیا پیر شدن جزء جدا نشدنی

زندگی انسان است که بر او مسلط می‌شود تا بدنش را به طور کامل از کار اندازد؛ حتی عوامل خارجی، احتیاط و مواظبت نیز در آن تأثیری ندارد؟ یا اینکه پیر شدن یک موضوع طبیعی برای بدن انسان است که به سبب عوامل خارجی همچون نرسیدن مواد غذایی خوب و کامل و یا وارد شدن میکروب و عوامل بیماری‌زا، بدن دچار نقص می‌شود، کم‌کم از کار می‌افتد و موجب مرگ انسان می‌شود.

این سؤال در میان دانشمندان مطرح است و نظرات متفاوتی نسبت به آن دارند. عده‌ای از آنها پیر و فرتوت شدن بدن را از این می‌دانند که بدن انسان به علت مشکلات در دریافت مواد غذایی و تولید مثل، دچار بی‌نظمی می‌شود و در نهایت منجر به مرگ می‌گردد.

نظریه طولانی شدن عمر انسان یک موضوع ممکن است و اگر در نظر بگیریم که انسان در طول عمر خود سلول‌ها را از نفوذ میکروب‌ها و سموم محافظت نماید و غذای سالم و کامل به بدن برساند؛ نباید هیچ وقت پیر و فرتوت شده و موجب مرگ انسان شود؛ حال آنکه با از کار افتادن اعضای بدن و فرتوت شدن آنهاست که فرد دچار مرگ می‌شود. اگر از این نظریه چشم‌پوشیم و بگوییم که پیر شدن به سبب عوامل خارجی نیست. بلکه قانون طبیعی بدن است و خواه ناخواه بر بدن مسلط می‌شود و انتهایش مرگ است.

ما این مسئله را در اطرافیان خود می‌بینیم و تجربیات دانشمندان ثابت کرده است که پیر شدن در زمان خاصی رخ نمی‌دهد، برای بعضی به طور ناگهانی اتفاق می‌افتد که صورت با نشاط آنها را پر چین و چروک می‌کند و برای برخی به تدریج رخ می‌دهد. عده‌ای از مردم در سن بالا و عده‌ای در سن پایین دچار آن می‌شوند. تفاوت در این مطلب بیانگر این است که پیری یک قانون طبیعی

می باشد؛ اما همین قانون طبیعی با برخی مراقبت‌های ویژه و استفاده از داروها قابل تغییر است.

بنابراین طولانی شدن عمر انسان از نظر علمی امر محالی نیست اگر پیری و مرگ یک قانون طبیعی باشد، می‌توان با کمک علم در این کار دخالت کرد؛ اگر چه اجرای این برنامه تا به حال نتیجه خاصی برای انسان نداده اما این کار در مورد حیوانات انجام شده؛ به هر حال از لحاظ علمی ثابت شده که طولانی شدن عمر انسان تا هزاران سال امکان دارد. تاکنون این نظریه ثابت نشده است، ولی شاید در آینده‌ای نزدیک ثابت شود. همین که علم، خواهان اجرای این مطلب است نشان دهنده امکان این کار می‌باشد.

با این توضیحات می‌توان گفت که طولانی شدن عمر امام زمان «عجل الله تعالی» مطلبی دور از ذهن و ناشناخته نمی‌باشد.

امکان دارد این سؤال مطرح شود که این موضوع علمی با کوشش دانشمندان، شکل واقعیت به خود نگرفته، چگونه ممکن است که در هزار سال قبل در مورد امام زمان «عجل الله تعالی» اجرا شده و او تا به حال شاداب و جوان مانده باشد؟ این مورد همانند بیماری سرطان است؛ در حالی که هنوز دارویی برای درمان آن به دست نیامده است.

باز این سؤال پیش می‌آید که چگونه اسلام از علم سبقت گرفته است و فردی با این سن را به ما معرفی می‌کند؟

جواب: این تنها موردی نیست که اسلام از علوم روز سبقت گرفته است. آیا اسلام تا به حال احکام و دستورات زیادی نداده که هم اکنون و بعد از قرن‌های

متمادی به اسرار آنها پی می‌بریم؟^۱

قرآن در هزار سال قبل، بسیاری از مسائل علمی را قبل از به وجود آمدن علم آن، کشف کرده است، در همان سال‌ها قرآن در هزار سال قبل و پیش از اختراع میکروسکوپ و علم جنین‌شناسی و اسرار مربوط به آن سخن گفته و اطلاعاتی در اختیار همه مردم جهان قرار داده است؛ نیز قبل از آنکه بزرگ‌ترین دانشمندان افکاری پیرامون کرات دیگر به ذهنشان برسد، این رسالت آسمانی اسراری در مورد آنها ذکر نموده و جالب اینکه علم روز، هم‌اکنون آن نظریات را پذیرفته و ممکن است که با پیشرفت بیشتر علوم به حقایق جدیدتری از علوم اسلامی دست پیدا کنند.

همچنین قرآن در مورد معراج پیامبر ﷺ و سیر یک شبه ایشان از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سخن گفته است.^۲

آیا موضوع معراج پیامبر ﷺ از علم روز سبقت نگرفته است؟ پس خداوندی که قوانین طبیعت را به کار گرفت تا پیامبرش را یک شبه از مسجدالحرام به مسجدالاقصی ببرد، می‌تواند قوانین طبیعت را در مورد مهدی ﷺ به کار گیرد و عمرش را طولانی کند. قبل از آنکه علم به چنین چیزی دست پیدا کند.

۱. این پرسش‌هایی که شهید آیت الله صدر مطرح می‌کند، به تحکیم حقیقتی مهم منجر می‌شود و آن اینکه پیامبر اعظم ﷺ هنگامی که وضعیتی غیرطبیعی و عادی در روند زندگی بشریت وجود داشت، بشارت داد که به وجود امام مهدی ﷺ، به طور اجمال خبر از تحکیم زود هنگام امکان وقوع این امر است و از تأکید بر ممکن بودن این کار (یعنی طولانی بودن عمر انسان‌ها). مانند این پیش‌بینی و پیش‌گویی در توجیه مردم به بعضی از حقایق که در این عالم وجود دارد. قرآن مجید و احادیث شریف در موارد بسیاری از طبیعت هستی و حیات خبر داده‌اند. ر.ک: القرآن و العلم الحدیث؛ دکتر عبدالرزاق نوفل.

۲. اشاره به این آیه است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى: پاک و منزّه است خدایی که بنده خود را شبی از مسجدالحرام به مسجدالاقصی برد.» اسراء، آیه ۱.

بله، شاید روزی برسد که انسان هم بتواند به علم طولانی کردن عمر دست یابد.

خداوند متعال امام زمان «عجل الله تعالی» را برای یک تغییر بزرگ در جهان در نظر گرفته و این دگرگونی از روز اول عمر انسان تا به حال سابقه نداشته است. او می‌خواهد این تغییر و دگرگونی را در تمام زمین اجرا کند، پس بعید نیست که او نیز یک انسان عادی و معمولی نباشد.

او کسی است که می‌خواهد تمام قدرت‌های مادی و ماده پرستی را از بین ببرد؛ پس می‌تواند خود را از تمام بیماری‌ها و آفات و هر چیزی که باعث پیری می‌شود، حفظ نماید و بدنش را هزاران سال سالم و شاداب نگاه دارد و اگر انسان عاقل این تغییر و تحول عظیم را در جهان به وسیله مهدی علیه السلام بپذیرد، می‌تواند قبول کند که زندگی او هزاران سال ادامه یابد؛ چون مورد اول از مورد دوم به مراتب سخت‌تر و مشکل‌تر است.

در قرون گذشته، پیامبری به نام نوح علیه السلام می‌زیست که ۹۵۰ سال مردم را به توحید دعوت می‌کرد^۱ اما مردم دعوت او را نپذیرفتند و دچار طوفان شدند و از بین رفتند و نوح یک جامعه جدید بنا کرد.

در آینده نیز چنین اتفاقی خواهد افتاد، مردی که بیش از هزار سال در میان مردم است، دنیا را تغییر می‌دهد و جهانی نو بنا می‌کند.

چگونه می‌شود عمر حداقل هزار ساله نوح را باور کرد؛ ولی عمر مهدی علیه السلام را قبول نکرد؟^۲

۱. اشاره به این آیه: «قَلِّبَتْ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ أَلَا حَسِيبَ عَامًا: او ۹۵۰ سال در میان مردم زندگی کرد.» عنکبوت، آیه ۱۴.

۲. مخاطبین این سؤال، مسلمانان مؤمن به قرآن کریم و احادیث شریف نبوی هستند، چرا که

۲. معجزه و طول عمر

دانستیم که طول عمر از لحاظ علمی امکان دارد؛ ولی فرض کنیم که از لحاظ علمی پیر شدن یک قانون طبیعی باشد که خواه، ناخواه گریبان انسان را می‌گیرد و دانشمندان در آینده هم نخواهند توانست این جریان را تغییر دهند. با این اوصاف ما می‌گوییم که طولانی شدن عمر مهدی علیه السلام ممکن و شدنی است. در قرون گذشته، نوح در میان مردم بود و برخلاف قانون طبیعت هزاران سال عمر کرد. اکنون نیز پس از قرن‌ها مهدی علیه السلام برخلاف طبیعت و براساس معجزه بیش از هزار سال عمر کرده است. البته این را هم بگوییم که به دفعات اتفاق افتاده

➔ علمای اهل سنت برای غیر حضرت نوح علیه السلام مقداری بیشتر از این سن را روایت کرده‌اند. ر.ک: تهذیب الاسماء و اللغات؛ النووی، ج ۱، ص ۱۷۱. صحیح نیست که بگوییم خبر این موضوع را قرآن داده و آن بیان عمر نوح پیامبر علیه السلام می‌باشد، اما اینجا نه نص قطعی وجود دارد، نه ارتباط به پیامبری.

جواب: این موضوع واحدی است که عبارت است از، واژگونی نظام ظلم و فساد و سلطه و این همان مأموریتی است که به یکی از پیامبران واگذار و به یکی از برگزیدگان خداوند متعال نیز تفویض شده است، همچنان که در زبان احادیث و روایات صحیح، آمده است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا: اگر از دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیتم را برانگیزاند تا زمین را پر از عدل و داد کند.» التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۳.

اما به لحاظ متون قاطع، احادیثی که در مورد حضرت مهدی علیه السلام آمده از حدّ تواتر گذشته است و این موجب قطعیت و یقین می‌شود. بنابراین فرقی میان این دو موضوع وجود ندارد. ر.ک: التاج الجامع للاصول، ج ۵، صفحات ۳۴۱ - ۳۶۰ که تواتر آن را از قول شوکانی نقل نموده است و علما و محققین فریقین (شیعه و سنی) به این نتیجه رسیده‌اند که هر کس مهدی علیه السلام را منکر شود، به تحقیق رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را کافر و منکر گشته است. این موضوع، چیزی نیست جز اینکه تواتر احادیث که از ضروریات دین می‌باشند و علما اجماع دارند که منکر ضروریات دین، کافر است. ر.ک: الاشاعة لاشباط الساعة؛ برزنجی، بحث مهدویت؛ ما جریان تواتر را در مقدمه ذکر کردیم.

که خداوند متعال برای محافظت از رهبری که او را برای هدایت مردم فرستاده، در قوانین طبیعت، وقفه ایجاد نموده است.

آیا طولانی شدن عمر انسان عجیب است یا تأثیر نکردن آتش بر گوشت و پوست انسان؟ بنابر قانون طبیعت هرگاه جسمی بدون حرارت یا دارای حرارت ضعیف در برابر آتش سوزان قرار گیرد، آتش در آن اثر می‌کند. همچون ابراهیم علیه السلام که قرار است رهبری جامعه‌اش را به دست گیرد و بنای توحید را در میان آنها به پا دارد، خداوند متعال این قانون را معلق می‌کند تا از او محافظت کند و به آتش می‌گوید: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ»: «ای آتش! در مقابل ابراهیم سرد و سلامت باش». ^۱ پس ابراهیم از میان آتش، سالم و زنده بیرون می‌آید و هیچ صدمه‌ای نمی‌بیند و اینجاست که «خداوند، قانون طبیعت را برای نجات یک رهبر دینی تعطیل می‌کند».

همچنین در حفاظت از جان موسی علیه السلام، برخلاف قانون طبیعت، دریا شکافته می‌شود؛ ^۲ قبیلۀ رومان برای کشتن عیسی علیه السلام آمدند، ولی او به آسمان‌ها رفت؛ ^۳ نیز پیامبر صلی الله علیه و آله در نیمه شب از بین سواران عرب که قصد کشتن او را داشتند، عبور کرد و برخلاف قانون طبیعت، آنها او را ندیدند. ^۳ جریانات بسیار دیگری هست که خداوند برای محافظت از رهبر دینی، در قوانین طبیعت وقفه ایجاد کرده که

۱. انبیاء، آیه ۶۹.

۲. اشاره به این آیه: «فَاَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْيَمْرُوتَ فَانفَلَتْ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ: به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا بزن، دریا شکاف برداشت و هر بخشی همچون کوه عظیمی شد.» شعراء، آیه ۶۳.

۳. اشاره به این آیه: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ: در حالی که او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه امر بر آنها مشتبه شد.» نساء، آیه ۱۵۷.

۳. سیرة ابن هشام، ج ۲، ص ۱۲۷.

اینها جزو عقاید ضروری مسلمانان می باشد؛ پس باید پیر شدن را که از قوانین غیر قابل تغییر است، در مورد مهدی علیه السلام تغییر یافته بدانیم.

ممکن است این موضوع را یک قاعده کلی در نظر بگیریم که خداوند برای محافظت از حجت خویش، قانون طبیعت را به حالت تعلیق نگه می دارد تا آن شخص بتواند حیات خود را ادامه دهد و هنگامی که مأموریتش را انجام داد، خداوند، قانون در را باز می گرداند که با یک حادثه و یا بر اثر جریان طبیعی زندگی از دنیا برود یا شهید شود.

در اینجا این سؤال مطرح است که: «چگونه می شود قانون طبیعت معلق شود؟^۱ چگونه علاقه ضروری بین علت و معلول از هم گسیخته می شود؟ این برعکس تجربه علمی است که موفق به کشف این قانون طبیعت شده است.»

جواب این که بر خلاف عقیده موحدان و مسلمانان که خواست خداوند را همیشه بر قوانین طبیعی جهان مسلط و حاکم می دانند، این مطلب را باید مورد توجه قرار داد که از لحاظ علم و دانش، ضرورت اجرای قوانین طبیعی، ثابت نشده است. اگر چه در دنیا به عنوان قانون طبیعت شناخته شده است، ولی حقایق بر اساس تجربه به دست آمده است؛ مثلاً هر گاه آب سرد در کنار آتش قرار گیرد، گرمای آتش در آن اثر می کند و آب را به جوش می آورد.

این تجربه کشف یک قانون طبیعی است که هر وقت آب و آتش در کنار هم قرار گیرند، آب به جوش می آید، ولی علم و دانش بین این دو، علاقه ضروری در

۱. بعضی این طور می گویند که فرار با قانون دیگری صورت می گیرد، همان طور که در مورد قانون جاذبه است. قانون جاذبه، اشیاء را به مرکز جاذبه می کشاند. با این حال فرآیند مکیدن آب در نباتات با مویرگها به طرف بالا، با قانون دیگری است که همان قانون مویرگهای نباتات به طرف بالا می باشد. ر.ک: القرآن محاولة لفهم امری؛ دکتر مصطفی محمود.

نظر نگرفته است که ضرورتی بر وقوع آن وجود داشته باشد؛ برای اینکه ضرورت، یک حالت نهانی در هر موجودی است که از طریق تجربه و علم به دست نمی آید، منطق دانش روز این گونه است که قانون طبیعی از وجود یک *علاقة ضروری* بین *تأثیر مؤثر و تأثر متأثر* نیست، بلکه قانون طبیعی از نزدیکی بین دو شیء مثل آب و آتش می باشد که نتیجه اش به جوش آمدن آب می شود؛ پس اگر معجزه ای رخ بدهد، این نزدیکی و رابطه از بین می رود و این گونه می شود که آب در کنار آتش قرار می گیرد و گرم نمی شود.

در این صورت یک موضوع ضروری را که در منطق علمی جدید محال باشد را به هم نزده است. معجزه با مفهوم دینی قابل قبول تر از منطق فلسفه قدیم است، چون در نظر منطق قدیم، قانون طبیعی از یک *علاقة ضروری* بین خاصیت دو شیء می باشد، در مفهوم *علاقة ضروری القاء مؤثر* از اثر یا مقاومت موجود متأثر از نظر عدم پذیرش اثر، محال است؛ مثلاً غیر ممکن است که آتش از سوزش بیفتد، یا اینکه آب در نزدیکی آتش، گرم نشود. این *علاقة* اثر مؤثر و تأثر متأثر در منطق فلسفه روز به قانون اقتران تبدیل شده؛ یعنی این دو با هم مقارن اند، نه اینکه بین این دو ضرورتی باشد.

بر اساس منطق استقرایی که از آن در کتاب «*الاسس المنطقیه*» به صورت کامل بحث کردیم، فقط در یک جهت بین ما و مکتب فلسفه جدید مخالفت وجود دارد.

فلسفه جدید معتقد است که «نزدیک بودن و تقارن دو چیز با یکدیگر در دفعات مکرر باعث اثبات ضرورت و علّیت بین آن دو نیست». ما موافق این مطلب هستیم؛ اما می گوییم که بین تمام موارد تقارن، جهت مشترکی وجود دارد؛ مثلاً آتش در هر جا و در هر زمانی که باشد، می سوزاند. اگر میان آتش و سوختن

فقط یک تقارن باشد به این صورت که هر سوختنی که با آتش صورت می‌گیرد به علت یک تصادف و اتفاق اقترانی است؛ پس در برخی از دفعات، این تقارن تخلف می‌پذیرد و گاهی بعضی از آتش‌ها نمی‌سوزانند.

در آتش و سوختن علاوه بر این که جهت مشترک سوزاندن هست اما به اثبات نرسیده که آن جهت مشترک، علّیت و ضرورت است؛ احتمال هم دارد که حکمت الهی، موجب تغییر قانون حاکم در عالم شود. در مواردی، حکمت الهی، بر این است که آتش با سوختن متقارن نشود؛ اینجاست که اراده خداوند، مقتضای این حکمت را در بر می‌گیرد و معجزه به وجود می‌آید.

۳. ارتباط طولانی شدن عمر امام زمان «عجل الله تعالی»

با ایجاد تغییر و تحول در جهان

سؤال دوم این است که چرا خداوند، یک انسان را تا به حال زنده نگاه داشته و برای او قوانین طبیعت را معلق کرده است؟ چه می‌شد خداوند او را در همان زمانی که قرار است قیام کند، بیافریند؟ به عبارت دیگر راز طولانی شدن عمر و غیبت طولانی چیست و چه فایده‌ای دارد؟

اکثر کسانی که چنین سؤالاتی می‌کنند، نمی‌خواهند پاسخ مذهب بر اساس عقاید غیبت را بشنوند؛ ما به این مطلب ایمان داریم که ائمه دوازده گانه علیهم‌السلام مجموعه واحد و بی‌نظیری هستند^۱ که قابل تعویض و تبدیل نمی‌باشند؛ ولی

۱. این موضوع اشاره دارد به عقیده شیعه اثنی عشری که استناد آن به دلایل معقول و منقول و بالاخص حدیث ثقلین متواتر «انی ترکت فیکم ما ان تمسکم بهما لن تضلوا بعدی ابدأ کتاب الله و عترتی و اهل بیتی: در میان شما دو چیز را باقی می‌گذارم که اگر به آنها تمسک جوید، گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم اهل بیت علیهم‌السلام». ر.ک: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳؛ نیز الصواعق المحرقة؛ ابن حجر،

کسانی که چنین سؤالاتی را مطرح می‌کنند، توقع دارند که پاسخ‌هایشان براساس فلسفه‌های اجتماعی و در پرتو حقایق محسوس عملی، داده شود؛ پس برای جواب به صورت موقت از آنچه که نسبت به شخصیت ائمه علیهم السلام ایمان داریم و خصلت‌هایی که در آنها سراغ داریم،^۱ صرف نظر می‌کنیم و این سؤال را این گونه طرح می‌کنیم: آیا طولانی شدن عمر امام زمان «عجل الله تعالی» بر اساس تجربیات به دست آمده، برای ایجاد تحول و تغییر در جهان مؤثر است؟ آیا طولانی شدن عمر، بهتر می‌تواند این قیام را به اجرا در آورد؟

بله، چنین است. اگر می‌خواهیم تغییر و تحولی عظیم در سرتاسر جهان به وجود آید به یک قهرمان اجراکننده نیاز داریم که او باید نسبت به تمام مردم، اتفاقات، اماکن، مسائل اجتماعی و سیاسی، شناخت کافی داشته باشد تا بتواند این تغییرات را لحاظ کند.

اگر این قهرمان همانند نقطه‌ای ثابت بر روی یک خط طولانی، جامعه‌های بشری را سیر کند، از لحاظ نیروی نفسانی می‌تواند در مقابل تمام مسائل اجتماعی بایستد و برخلاف آن حرکت نماید و به پیروزی هم برسد.

↔ ص ۸۹ چنین گفت: بدان که برای اثبات این حدیث (حدیث تمسک) راه‌های فراوانی وجود دارد که از ۱۰۲۰ صحابی نقل شده است. همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «لن یفترقا حتی یردنی علی الحوض... این دوازده نفر جدا نمی‌شوند تا بر حوض کوثر نزد من آیند...» و نیز فرمود: «الخلفاء بعدی اثنا عشر کلهم من قریش: جانشینان بعد از من دوازده نفر هستند که همگی از قریش می‌باشند.» مفاد تمام این احادیث اقرار به این معناست.

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ویژگی، نقش، وظایف و اهدافشان فراوان سخن گفته‌اند، اینکه آنان صاحب دین، شریعت، کشتی‌های نجات و موجب مصون نگه داشتن امت از گمراهی هستند، نیز در حدیث ثقلین و «لن یفترقا» بر عصمت دوازده امام تأکید کرده‌اند. بنابراین عقل نمی‌پذیرد که آنان باعث مصونیت امت اسلامی از گمراهی شوند، در حالی عده‌ای می‌پندارند که آنان معصوم نیستند.

ر.ک: کتاب الاصول العامة للفقہ المقارن؛ علامه محمد تقی حکیم، ص ۱۶۹ به بعد، مبحث محبت سنت.

باید حجم فکری و ادراکات کسی که می‌خواهد تغییر و تحول در کل جامعه بشری ایجاد کند، از حجم آن جامعه بزرگ‌تر باشد. هر اندازه جهان هستی از لحاظ اجتماعی و سیاسی در مرتبه بالایی قرار داشته باشد، قیام در مقابل آن، احتیاج به فکر و شعور بالاتری دارد.

اگر تقدیر و خواسته الهی در روز موعود این است که جهان پر از ظلم و جور تغییر کند، باید کسی که فهم و شعور او از آن جهان بزرگ‌تر است، مجری آن کار باشد؛ او نباید دست پرورده دنیا باشد و در جامعه‌ای بزرگ شود که تمام امور اجتماعی آن بر اساس ظلم و ستم است؛ چون چنین کسی از دنیا کوچک‌تر است. هنگامی که قرار شد او در محیطی ثابت و اجتماعی، دوران طفولیت خود را سپری کند، چیزی جز قدرت و آزمودن قدرت توسط دیگران نمی‌توانست در چنین جامعه‌ای تغییر و تحولی عمیق به وجود آورد؛ برعکس کسی که پرورش یافته محیط دیگری باشد و اجتماعات و قدرت‌های بزرگ‌تری را دیده باشد که قبلاً چه سرنوشتی داشتند، متوجه می‌شود که از بین بردن چنین جوامعی ساده خواهد بود.

او این جریانات را از ابتدای شکل‌گیری و پذیرش آن، توسط شئون سیاسی و اجتماعی به چشم خود دیده است و هنگامی که آن قدرت‌ها با وسایل و ابزار خاصی روی کار آمدند و دوران اولیه حکومت خود را گذراندند تا قدرت آنها کامل شود و بر تمام افکار چیره شوند تا زمانی که رو به ضعف و نابودی رفتند و همچنین قدرت‌های جایگزین آنها را با اندیشه و ظرافت خاصی در طول هزاران سال شاهد بود؛ نه اینکه از دل کتاب‌های تاریخ خوانده باشد. بی‌شک جامعه و قدرتی را که او می‌خواهد دگرگون کند، نسبت به جوامع و قدرت‌های گذشته کوچک‌تر است.

امام زمان «عجل الله تعالی» بیش از هزار سال عمر کرده است و قدرت و هیبت چند هزار ساله در وجود او هست، وی به خوبی می داند که چه عواملی باعث به قدرت رسیدن حکومت‌ها و محیط‌ها و چه عواملی باعث از بین رفتن آنها می شود؛ هر چقدر اجتماعات و قدرت‌های آنان عمری طولانی داشته باشند در برابر عمر تاریخ، کوتاه و کم هستند.

آیا سوره کهف را خوانده‌ای؟

جوانمردانی که به خدا ایمان آوردند و خداوند بر هدایت آنها افزود؟^۱ آنها در مقابل حکومتی ظالم قرار داشتند که برای استحکام حکومت خود، خفقان سنگینی را در جامعه حاکم کرده بودند، مردم نمی توانستند از توحید، سخنی به زبان آورند؛ باید تخته چوب‌های بی جان را می پرستیدند. حتی حق نداشتند در مورد توحید فکر کنند. آنان کسانی بودند که قدرت مبارزه با این ظلم‌ها و خفقان را نداشتند و از طرفی هم نمی خواستند در جامعه‌ای زندگی کنند که همانند اصطبل حیوانات باشد و در نهایت تصمیم گرفتند تا خود را از میان آن مردم کثیف نجات دهند و از زمره جانوارانی که سرنوشت خود را به دست درندگانی داده بودند، خارج کنند.

آنها به غاری که بیرون شهر بود، پناه بردند و در این فکر بودند که آیا می شود، روزی این حکومت از بین برود؟

آنان در غار به خواب رفتند و بعد از ۳۰۹ سال از خواب بیدار شدند^۲ و دوباره

۱. اشاره به این آیه است: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرِذْنَاهُمْ هُدًى: آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان داشتند و ما نیز بر هدایتشان افزودیم.» کهف، آیه ۱۳.

۲. اشاره به این آیه: «وَلِكُلِّ فِيهِمْ لَأَثٌ بِأَنْبِيَاءٍ سَلَفِمْ وَأَزْدًا دُونَ تَشْعَابٍ: آنها سیصد سال در آن غار ماندند و نه سال نیز بر آن افزودند.» کهف، آیه ۲۵.

جان گرفتند و بر اجتماع وارد شدند و دیدند، همان حکومتی که آنها را با ظلم و زور آواره کرده بود، از بین رفته و هیچ اثری از آن نمانده است؛ حتی به عنوان قصه و داستان نیز سخنی از آنها به زبان نمی‌آمد. تمام این مسائل برای این بود که خداوند، باطل را در نزد آنها کوچک و ناچیز گرداند و سرنوشت حکومتی را که در نظرشان پر قدرت بود، توانستند با چشم خود ببینند.

این جریان دقیقاً برای طولانی شدن عمر قائم آل محمد علیهم‌السلام اتفاق می‌افتد و چنین قدرتی پیدا می‌کند که اشیاء غول پیکر را خرد و کوچک و درختان سر به فلک کشیده را همچون نهال و طوفان‌های ویران کننده را همچون یک نسیم ملایم مشاهده می‌کند.^۱ اضافه بر این، زندگی چند هزار ساله، تجربیاتی به بار می‌آورد که برای رهبری این قیام و انقلاب بزرگ مفید است، به این علت که او در بیش از هزار سالی که زندگی کرده در اجتماعات و ملت‌های مختلف زیسته و در مقابل یک سری تلاش‌هایی قرار گرفته که آن را در دیگران می‌بیند و نقاط ضعف و قوت و خطا و درستی را در مردم می‌نگرد و این عمر طولانی و دیدن تاریخ به چشم خود، برای او تجربه‌ای را در بر دارد که به هیچ وجه از ظاهر گروه‌ها و ملت‌ها فریب نمی‌خورد و به راحتی می‌تواند آنها را تشخیص دهد و ریشه‌های این تحولات را به خوبی در می‌یابد.

۱. تمام این مسائل با پرورش و آماده سازی ویژه‌ای که برای آن حضرت در نظر گرفته شده، ارتباط دارد که در آن قادر است با دیدی عمیق و گستره بیکران به جای دید محدود، با چشمان خودش ببیند. افرادی که به ظاهر خود را غول نشان می‌دهند و دنیا را به غوغا و هرج و مرج می‌کشاند و مردم را به هراس و ترس از خود وادار می‌کنند، کوچک و کم ارزش می‌بیند. با این دید و شهود گسترده می‌تواند بهتر و بیشتر، مأموریت و وظیفه آسمانی خود را انجام دهد و هستی را دگرگون سازد، یعنی زمین را پس از ظلم و جور پر از عدل کند، که به جز استعداد، مواهب ذاتی و عنایت خاص خداوند نیست.

اجرای این تحول و دگرگونی عظیم، وظیفه‌ای می‌باشد که اسلام به او واگذار نموده است؛ پس، چون این انقلاب، اسلامی است، باید کسی رهبری آن را به عهده داشته باشد که به ابتدای اسلام، نزدیک و شخصیت او بر اساس اسلام اصیل شکل گرفته باشد، به گونه‌ای که محیط دوران موعود در او اثری نگذارد. برخلاف این موضوع، اگر قرار می‌شد که امام زمان «عجل الله تعالی» در همان زمان و داخل همان محیط و جامعه زندگی و براساس همان فرهنگ رشد کند، به ناچار تأثیراتی از آن محیط می‌گرفت، هر چند قصد داشته باشد که جامعه را تغییر دهد. پس نباید او در جامعه‌ای رشد کند که می‌خواهد آن را تغییر دهد، بلکه باید در جامعه‌ای کاملتر از آن باشد و شخصیت او بر اساس معارف اسلامی اولیه شکل گیرد.^۱

۱. سزاوار نیست کسی ایراد بگیرد که حضرت محمد صلی الله علیه و آله با داشتن رسالتی جهانی و مأموریت بزرگ دگرگونی جامعه در متن دوران جاهلیت زندگی می‌کرده؛ اما هیچ گاه از آن تأثیر نگرفته است، همچنان که پیامبران گذشته چنین بوده‌اند، بنابراین، وحدت نظر و وجه اشتراک این دو نظر چیست؟

جواب: الف - بی‌شک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خود را از فرهنگ دوران جاهلیت کنار کشیده و در آن زمان در عزلت به سر می‌برده است. ما در سیره نبوی می‌خوانیم که او تنهایی را دوست داشت و بیشتر اوقات به غار حرا می‌رفت و در آنجا به مناجات می‌پرداخت، همچنان که دیگر انبیاء، از فرهنگ و کردار امت خود دوری می‌کردند و به این وسیله از آنها بی‌زاری می‌جستند. قرآن به این موضوع اشاره می‌کند: «فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يُغْتَدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ» مریم، آیه ۴۹.

ب - به پیامبر وحی می‌شود و به طور مستقیم پشتوانه الهی دارد؛ کارها و راه‌هایی که باید انجام دهد، گام به گام از راه وحی دریافت می‌کند؛ اما امام علیه السلام طبق عقیده شیعه و به طور مستقیم، وحی دریافت نمی‌کند؛ امام مورد عنایت خداوند و امدادهای الهی قرار می‌گیرد و آمادگی ویژه و خاص برای امداد در ارتباط با امت و تمدن اسلامی دارد و در بردارنده پشتوانه اصالت، معرفت و علم از پدران بزرگوارش می‌باشد. او آگاه به نقاط قوت، عوامل ضعف و ناکامی تمدن‌ها است؛ با این دید گسترده می‌تواند بر کلیه امور تسلط و احاطه پیدا کند. این از اعتقادات شیعیان به توانمندی‌های علمی و ذاتی امام علیه السلام می‌باشد که خداوند متعال به ایشان عنایت فرموده است و با

۴. رهبری در کودکی

سومین سؤال این است که چگونه ممکن است کسی در سن تقریباً پنج سالگی رهبری جامعه‌ای را به عهده گیرد؟ آیا می‌شود در طی این چند سال که او در کودکی به سر می‌برده، طوری آموزش ببیند که بتواند رهبری جامعه را به عهده گیرد؟

جواب: مهدی علیه السلام جانشین پدرش برای رهبری مسلمین بود؛ یعنی کُلّ امامت در روح و فکر او وجود داشت.

رهبری در کودکی، فقط مخصوص امام زمان «عجل الله تعالی» نبوده، بلکه در امامان قبل از او هم وجود داشته است؛ مثلاً امام جواد علیه السلام در هشت سالگی^۱ و امام هادی علیه السلام در نه سالگی^۲ و امام عسگری علیه السلام در ۲۲ سالگی^۳ به امامت رسیدند و می‌بینید که این موضوع از امام جواد علیه السلام تا امام زمان «عجل الله تعالی» ادامه داشته است تا در سال‌های اولیه عمر مبارکشان به مقام ولایت و رهبری برسند و روشن است که ائمه علیهم السلام حتی در سن کودکی و یا نوجوانی از لحاظ روحی و فردی در مقامی بودند که بتوانند به راحتی رهبری جامعه اسلامی را به عهده گیرند و تجربه اجتماع اسلامی در مورد پدران امام زمان «عجل الله تعالی»، خود بزرگ‌ترین دلیل برای جواب این سؤال است.^۴

توضیح مطلب فوق این است:

الف: جانشینی ائمه علیهم السلام همانند حکومت موروثی که از پدر به پسر ارث

↔ این نگرش، امام از نیروها و امدادهای الهی برخوردار می‌شود. توضیح این مطلب در بحث چهارم خواهد آمد.

۲. ر.ک: الصواعق المحرقة؛ ابن حجر، ص ۱۲۳.

۳. ر.ک: الصواعق المحرقة؛ ابن حجر، ص ۱۲۳.

۴. ارشاد؛ شیخ مفید، ص ۳۱۹ و الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۲۳.

می‌رسد یا مثل خلافت فاطمیون و عباسیون نبوده است؛ بلکه پیروی مردم از آنها بر اساس یک سری اصول بنا شده است که باید افکار از لحاظ اعتقادی قانع شوند که آیا آنان لیاقت جانشینی امام را دارند؟ نشانه‌ها را در او ببینند و رهبری آنان بر اساس عظمت بالای فکری و روحی باشد.

ب: از ابتدای اسلام، گروه کوچکی بوده‌اند که از لحاظ بینش فکری از همه بالاتر بوده‌اند که می‌توانستند، رهبر اسلام را بر اساس علمی که داشته‌اند تشخیص دهند، ولی در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام تعداد این افراد زیاد شد و اصول و قواعد پیرامون رهبری که به صورت مبانی اعتقادی برای پیروان این مکتب در آمده بود، چنان دگرگونی فکری و علمی در میان مسلمانان به وجود آورد که صدها نفر از فقها، سخنوران، مفسران و دانشمندان در رشته‌های گوناگون علوم انسانی و اسلامی را در بر گرفت، به طوری که حسن و ثنا گفت: داخل مسجد کوفه شدم و دیدم که نهصد نفر^۱ استاد می‌گویند: امام صادق علیه السلام چنین گفته...

ج: اسلام، شرایطی را که برای امام علیه السلام از نظر کفایت و لیاقت برای به دست گرفتن رهبری مسلمانان قرار داده، بسیار سخت و سنگین است؛ چون اسلام به این مطلب ایمان دارد که امام باید از تمام دانشمندان، داناتر باشد.^۲

د: دین اسلام از ابتدا برای ثبات و اجرای مبانی خود در مورد رهبری اسلام،

۱. رجوع کنید به: امام صادق علیه السلام و مذاهب اربعه، ج ۱، ص ۵۶ و مجالس سینه، ج ۵، ص ۲۰۹.
 ۲. به نظر شیعیان دوازده امامی، شخص امام، داناترین و عالمترین مردم زمان خود می‌باشد. رجوع کنید: باب ۱۱۱ علامه حلی، بنابراین امامان شیعه برای اثبات برتری علم و دانش خود در معرض امتحانات و آزمایشات زیادی قرار گرفته‌اند و در این آزمون‌ها پیروز شدند. رجوع کنید: صواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۲۳ توضیحاتی در این مورد از سؤالات یحیی بن اکثم از امام جواد علیه السلام نقل کرده است.

جان‌های عزیز و بزرگی را فدا کرده است، چون از نظر حاکمان آن زمان، نظریهٔ اسلام در مورد رهبری را بزرگترین خطر برای خود می‌دانستند و لااقل این گونه فکر می‌کردند که همین ایدئولوژی، روزی باعث تشکیل انقلاب‌هایی برای از بین بردن حکومت‌های ظالم خواهد شد، از همین رو پیروان آن را می‌کشتند و به زندان می‌انداختند و صدها نفر از آنها را در گوشه‌های زندان شکنجه می‌کردند، ولی آنان دست از اعتقاد به ائمه علیهم‌السلام بر نمی‌داشتند و این کار برای آنها گران تمام می‌شد^۱ و تحمل این شکنجه‌ها فقط اعتقاد به مذهب و بزرگترین عبادت و وسایل قرب به خدا بود.

هز ائمه علیهم‌السلام انسانهایی گوشه‌گیر نبوده‌اند که شیعیان فقط بر اساس گمان بگویند که آنها لیاقت رهبری را دارند. آنها همانند حکام و خلفا نبوده‌اند که خود را در کاخ و قصر مستور دارند و دست هیچ‌کسی به آنها نرسد و مردم آنها را شناسند، بلکه آنان در میان مردم بوده‌اند، به جز زمانهایی که در زندان یا تبعید به سر برده‌اند. و ما به وسیله تعداد زیاد راویان و محدثان و مکاتباتی که با مردم داشته و مسافرت‌های متعدد آنها و نمایندگی علما و دانشمندان و رفت و آمدی که مردم از سرزمین‌های دور دست داشته‌اند و اقامهٔ حج^۲ به این مطلب می‌رسیم که آنها در میان مردم بوده‌اند، تمام موارد فوق نشان دهندهٔ این است

۱. اعتقاد به امامت ائمه، برای شیعیانشان گران تمام شد و این در تاریخ ثابت شده و هیچ انکاری در مورد آن وجود ندارد و شاهد این مسئله، غائب شدن امام زمان «عجل الله تعالی» است. رجوع کنید: مقاتل الطالبین، ابی فرج اصفهانی.

۲. ائمه به این روایات زیادی توصیه کرده‌اند: رجوع کنید: اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۲، کتاب حجت، باب ۲: «ان الواجب علی الناس بعد ما یقضون مناسکهم ان یاتوا الامام فیسألونه عن معالم دینهم و یعلمونه ولایتهم و مودتہم له: بر مردم واجب است، بعد از تمام شدن حجتشان که نزد امام بروند و از علوم دینی بپرسند و ولایت و محبت خود را نسبت به او ابراز کنند.»

که ائمه علیهم السلام در سر تا سر جهان با تمام مردم از جمله دانشمندان و غیره رفت و آمد داشته‌اند و این نکته به اثبات می‌رسد که آنها از تمام دانشمندان برتر بوده‌اند.

و: حکومت‌های آن زمان، از نفوذ ائمه علیهم السلام در میان مردم و از جاذبه‌ای که داشتند، می‌ترسیدند و به همین علت تمام تلاش خود را به کار می‌بردند که این زعامت را در هم شکنند و در این راه از هیچ کاری فروگذار نکردند و قساوت و جنایت و سرکشی خود را ظاهر نمودند، تا جایی که برای ثبات مقام و حکومت خود به ائمه علیهم السلام ظلم و ستم کردند و باکی از این نداشتند که با این کارهایشان در نزد مسلمانان و مردمی که ائمه علیهم السلام را دوست داشتند، منفور شوند.

اینها نکاتی هستند که غیر قابل تردید می‌باشند و حقایقی از تاریخ می‌باشند که شکی در آنها نیست و به این نتیجه می‌رسیم که: امامت در دوران نوجوانی و جوانی امری واقعی است و گمان و پندار نیست، چون هنگامی که کودکی هشت ساله ادعای امامت می‌کند و می‌گوید که خصایص ذاتی امام را دارد و از لحاظ فکری و روحی بر تمام مسلمانان برتری دارد و مردم هم پیرو او می‌شوند. او باید شعور، درک و علمی فوق العاده در فقه و تفسیر و کلام داشته باشد، چون اگر اینگونه نباشد، نمی‌تواند مراکز علوم اسلامی را قانع کند. با این اوصافی که گفتیم، امامان علیهم السلام در جامعه‌ای می‌زیستند که با تمام مردم رابطه داشتند و افرادی متفکر و اندیشمند نیز اطراف آنها بودند که همیشه اخبار آنها در اختیار متفکرین مسلمان و غیر مسلمان قرار داشت، پس چگونه می‌شود که کودکی در این شرایط بتواند ادعای امامت کند و مردم را به سوی خود دعوت کند و عموم پیروان، دسترسی به او داشته باشند و جان خود را فدای راه خود کنند و به خاطر عقایدش، زندگی اش را در خطر اندازد و با این حال تلاش کند که

ادعای خود را ثابت کند و اخبار او همیشه سر زبان‌ها باشد؟ آیا ممکن است که کودکی ادعای برتری بر همه دانشمندان را داشته باشد، در صورتی که از لحاظ فکری و علمی همانند کودکان باشد و در روابط اجتماعی مشت او باز نشود؟

اگر فرض کنیم که موارد فوق پوشیده بماند، چگونه حکومت ظالم آن زمان در برابر این کودک ساده و بدون امتیاز اقدامی نکرده، تاباطن و حقیقت او بر همگان آشکار شود؟ در حالی که پیش گرفتن چنین کاری برای آن حکومت، خیلی ساده‌تر از قتل و زندانی کردن است. اثبات عدم کفایت و لیاقت روحی و فکری فردی که چهل یا پنجاه سال دارد، برای رهبری اسلام، دشوارتر از کودکی است که هیچ ذکاوت و علم و درایت امامت در خون او نیست.^۱ پیش گرفتن این روش، بسیار ساده‌تر و آسانتر از این است که حاکمان دست به قلع و قمع ائمه علیهم‌السلام و پیروان آنها بزنند.

بی شک تنها دلیلی که باعث سکوت حاکمان آن عصر در مقابل امامانی که در سنین کودکی بوده‌اند، این است که خود حکومت‌ها نیز درک می‌کردند که امامت آنها در کودکی واقعیت دارد و ساختگی نیست.

حکومت‌های آن زمان نیز چند مرتبه دست به چنین کارهایی زدند تا امامان کم سن و سال را به بازی بگیرند و رسوا کنند، ولی این گونه نشد و آنها شکست خوردند.^۲ همچنین این امامان در طول اجرای برنامه‌های خود به بسیاری از مشکلات برخوردند و مبارزاتی انجام دادند، ولی هیچ گاه کوچکترین تزلزلی

۱. به عبارت دیگر باید که از مردم برتر و داناتر باشد، بنابر اعتقاد شیعیان دوازده امامی رجوع

کنید به: حق الیقین فی معرفة اصول الدین، سید عبدالله شبر، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲. مأمون نیز این کار را انجام داد و برای آزمایش امام جواد دست به اینکار زد، ولی دانش امام جواد علیه‌السلام برای خواص و دانایان روشن شد.

پیدا نکردند که اطمینان مردم نسبت به آنها سلب شود.

مطالب فوق نشان دهنده این است که، امامت در سنین ابتدایی زندگی ائمه علیهم السلام واقعیت دارد و گمان و پندار نیست و هر کس که با این اوصاف به دنیا گام بگذارد، چه در سن کودکی و چه در جوانی و چه در کهنسالی باشد، او امام و رهبر مردم است.

نمونه این گونه جریانات در میان وارثان الهی فقط یحیی علیه السلام است که خداوند به او می فرماید: «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»؛ «ای یحیی! این کتاب را با تمام قوت بگیر. و در کودکی به او فرزاندگی دادیم».^۱

پس با این اوصاف که امامت را در سنین کودکی در اهل بیت علیهم السلام به اثبات رساندیم و دانستیم که واقعیت دارد، آیا باز هم کسی هست که بگوید چگونه می شود که مهدی علیه السلام در کودکی به امامت برسد؟^۲

۵. چگونه ایمان بیاوریم که مهدی علیه السلام وجود دارد؟

سوال چهارم این است که: فرض را بر این بگیریم که وجود چنین رهبری که چنین عمری طولانی داشته باشد و امامتش در خردسالی شروع شده و غیبتش ساکت و بی سر و صدا است، ممکن باشد، ولی آیا این موارد ما را قانع می کند، قبول کنیم که او وجود دارد؟

چگونه می توانیم در این زمان به وجود او ایمان داشته باشیم؟ آیا فقط به

۱. سوره مریم، آیه ۱۲.

۲. شیعیان خاص نیز از حضرت مهدی علیه السلام چنین چیزی دیدند و با او تماس برقرار کردند و از او گرفتند، همان طور که به وسیله نواب چهار گانه این گونه ارتباط برقرار کردند. رجوع کنید به: تبصرة الولی فیمن رای القائم المهدی علیه السلام، بحرانی والارشاد، شیخ مفید، ص ۲۴۵ و دفاع عن الکافی، سید ثامر العمیدی، ج ۱، ص ۵۳۵ به بعد.

احادیثی که از پیغمبر ﷺ در این مورد که خلاف متعارف است، کفایت کنیم؟ بلکه چگونه می‌توانیم یک فرد تاریخی در این زمان را اثبات کنیم؟ در حالی که او حقیقت داشته باشد، نه اینکه به خاطر زیاد بودن تلقین بودن یک انسان فرضی در افکار تعداد زیادی از مردم پدید آمده باشد؟^۱

جواب: اعتقاد به مهدویت که او را به عنوان یک رهبر مورد انتظار مطرح کرده است که جهان را تغییر خواهد داد، عموماً در احادیث پیامبر ﷺ و خصوصاً در روایات ائمه علیهم‌السلام آمده است و در مباحث زیادی مورد تأکید قرار گرفته که شکی در آن نیست و حدود چهارصد حدیث از پیامبر ﷺ در مورد مهدویت در کتاب‌های برادران اهل سنت آمده است.^۲ تمام روایات و احادیثی که در مورد امام زمان «عجل الله تعالی» از طریق شیعه و سنی آمده در حدود شش هزار روایت است و این تعداد بالایی است که در مورد هیچ یک از امور اسلامی مسلم، به این اندازه روایت نشده است.

اما مصداق دادن این تفکر در مورد امام زمان «عجل الله تعالی» می‌باشد که دارای مدارک کافی و روشن برای اثبات است.

تمام این مدارک را در دو دلیل خلاصه می‌کنیم:

۱. این پرسش‌ها را شهید صدر مورد کاوش قرار داد، به دلیل اینکه به عنوان شبهاتی مهم مطرح هستند و این کمترین چیزی است که در این موضوع، مورد شک و شبهه قرار گرفته‌اند. حتی برخی از نویسندگان معاصر بدون دلیل و برهان، این شبهات را به همراه سر و صدا و هیاهوی زیادی مطرح کردند و این‌ها تلاش‌هایی مذبوحانه و باطلی از طرف فرقه وهابیت برای ترویج و دامن زدن به آنها می‌باشد. علت ایجاد این شبهه‌ها بر هیچ کسی پوشیده نیست و شهید صدر به بیان پاسخ‌های علمی، برای کسانی که طالب حقیقت هستند، اقدام کرده است.

۲. کتاب المهدی ﷺ نوشته عموی شهید صدر ملاحظه شود.

ر.ک: آنچه که شیخ عبّاد در مجله جامعه الاسلامیه، شماره ۳، سال ۱۹۶۹ نوشته است.

ر.ک: به: المهدی الموعود المنتظر، شیخ نجم الدین عسکری.

۱. دلیل اسلامی.

۲. دلیل علمی.

با دلیل اسلامی، وجود رهبر منتظر را ثابت می‌کنیم.

و با دلیل علمی ثابت می‌کنیم که مهدی علیه السلام فقط یک اسطوره و پندار نیست، بلکه او حقیقتی است که وجودش به وسیله تاریخ ثابت شده است.

دلیل اسلامی

در صدها روایت که از پیامبر صلی الله علیه و آله ^۱ و ائمه علیهم السلام آمده، دلالت می‌کنند که مهدی علیه السلام وجود دارد و از اهل بیت علیهم السلام ^۲ و از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام و از نوادگان امام حسین علیه السلام ^۳ و او نهمین نواده امام حسین علیه السلام می‌باشد. ^۴

۱. ر.ک: معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، موسسه معارف اسلامی، جز اول، احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله.
۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی علیه السلام از ما اهل بیت علیهم السلام است که خداوند، کار او را در شبی اصلاح و درست می‌کند.» ر.ک: الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۲۱۳ و ۲۱۵. همچنین آمده که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند، مردی از اهل بیتم را مبعوث می‌کند که زمین را پر از عدل و داد کند، همان طور که پر از ظلم شده است.» ر.ک: صحیح سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۷ و سنن ابن ماجه: ج ۲، ص ۱۳۶۷ و ۴۰۸۵.
۳. ر.ک: معجم احادیث المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۷ و صفحات بعد که احادیث زیادی از کتب اهل سنت مانند صحاح و مسندها که در این مورد آمده است: ر.ک: موسوعة الامام المهدی علیه السلام، مهدی فقیه ایمانی، جزء اول و در آن احادیث و روایاتی از دهها کتاب علمای سنی در مورد مهدی علیه السلام و اوصاف او آمده است و در این کتابها نسخه‌ای از مناظره شیخ عبّاد در مورد احادیث و آثار پیرامون امام زمان «عجل الله تعالی» وجود دارد. «مهدی علیه السلام از خاندان من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.» ر.ک: صحیح سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۸.
۳. حدیث «مهدی علیه السلام از نوادگان حسین علیه السلام» بر اساس معجم احادیث مهدی علیه السلام در ذیل آمده است: اربعون حدیث، ابی نعیم اصفهانی همان طور که در عقد الدرر، مقدسی شافعی آمده و طبرانی در کتاب اوسط از کتاب المنار المنیف، ابن قیم ذکر کرده است. سیرة الحلیة، ج ۱، ص ۱۹۳. منتخب الاثر، شیخ لطف الله صافی گلپایگانی و رجوع کنید به روایت موهنی که می‌گوید: او از فرزندان امام حسن علیه السلام است که در کتاب دفاع عن الکافی، ج ۱، ص ۲۹۶، سید عمیدی آمده است.

همچنین احادیثی که آمده: جانشینان پیامبر ﷺ دوازده نفر هستند.^۱ این احادیث، تفکر عموم مردم را در مورد امام زمان «عجل الله تعالی» محدود و مشخص می‌کند، در حالی که تلاش ائمه علیهم السلام بر این بود که خبرهای پیرامون امام زمان «عجل الله تعالی» در دسترس عموم مردم قرار نگیرد و این موضوع را از دشمنان پنهان دارند که مبادا آنها بر علیه او توطئه کنند و به آن حضرت صدمه‌ای برسانند.^۲

با این حال، اخبار و احادیث بسیاری در این مورد منتشر شده است و این اخبار و احادیث زیاد، دلیلی بر وجود او نیست و اینکه ما این حقیقت را قبول کنیم، بلکه همراه با این احادیث، دلیل‌هایی نیز بر صحت این واقعت دارند. این حدیث شریف نبوی به این معنی که: «جانشینان یا امرای بعد از من دوازده نفر هستند.» یا با عبارات مختلف دیگری در بیشتر از ۲۷۰ روایت از پیامبر ﷺ نقل

۴. ر.ک: روایتی که به این اشاره دارد که: او از فرزندان امام حسین علیه السلام است. در ینابیع المودة، قندوزی حنفی، ص ۴۹۲ و مقتل الامام الحسین علیه السلام، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۹۶ و فرائد السمطين، جوینی شافعی، ج ۲، ص ۳۱۰ الی ۳۱۵، احادیث ۵۶۱ الی ۵۶۹ و رجوع کنید به منتخب الاثر، علامه شیخ صافی که این روایت را از دو طریق سنی و شیعه روایت کرده (دفاع عن الکافی، ج ۱، ص ۲۹۴).

۱. حدیث «الخلفاء بعدی اثنا عشر کلهم عن قریش: جانشینان بعد از من دوازده نفر و همگی از قریش هستند.» یا «لا یزال هذا الدین قائما ما ولیه اثنا عشر کلهم من قریش: این دین تا زمانی قوام و استحکام دارد و پا بر جاست که دوازده نفر که همگی از قریش هستند، سرپرستان آن باشند.»

این حدیث متواتر است و در کتب اهل سنت از صحاح و مسندها از راه‌های متعددی روایت شده و اختلاف کمی در متن آن است؛ بله، در تفسیر آن اختلاف دارند و پریشان می‌شوند. ر.ک: صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۰۱، کتاب احکام باب استخلاف و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۱۹، کتاب الامارة و مسند احمد، ج ۵، ص ۹۰ و ۹۳ و ۹۷.

۲. رجوع کنید به: غیبت کبری، سید محمد صدر، ص ۲۷۲ به بعد.

شده است.^۱ و این روایات در کتب مشهور شیعه و سنی از جمله صحیح بخاری^۲ و صحیح مسلم^۳ و صحیح ترمذی^۴ و سنن ابی داود^۵ و مسند احمد حنبل^۶ و مستدرک الصحیحین حاکم نیشابوری^۷ نقل شده است.

ملاحظه می‌کنید که این احادیث و روایات را بخاری، محدث سنی نقل می‌کند، در حالیکه او در زمان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام زندگی می‌کرده است و هنوز امامان به تعداد دوازده نفر نرسیده بودند و این مطلب، روشنگر این است که این حدیث قبل از آنکه تفکر پیرامون دوازده امام علیهم السلام در مغزها شکل گیرد و کامل شود، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده؛ پس با این اوصاف جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌ماند، به اینکه گفته شود این احادیث نشأت گرفته از واکنش اعتقاد افراد دوازده امامی بوده است، چون اگر این احادیث را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت دهیم، در واقع مجهول و واکنش افراد دوازده امامی می‌باشد، چون در این صورت معنا ندارد که این روایات عکس العمل اعتقادی افراد دوازده امامی هست، پیش از تکمیل اصل این اعتقاد، آن حدیث در کتاب‌ها یافت شده، چون عکس العمل هر چیزی متأخر از خود اوست و نه مقدم بر آن.

پس هنگامی که ما یک دلیل مادی و روشنی داریم که این احادیث قبل از تکمیل دوازده امام وجود داشته و در کتاب‌ها ضبط شده، دیگر جایی برای این

۱. ر.ک: التاج الجامع للاصول، ج ۳، ص ۴۰.

۲. صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۰۱، کتاب احکام، چاپ احیاء التراث العربی، بیروت.

۳. ر.ک: التاج الجامع للاصول، ج ۳، ص ۴۰. ابوداود در کتاب المهدی به این صورت روایت کرده:

«این دین از بین نمی‌رود، تا دوازده جانشین و امام بر شما...» و.ر.ک: سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۰۷.

۴. همان.

۵. همان.

۶. مسند الامام احمد، ج ۵، ص ۹۳ و ۱۰۰. ۷. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۱۸.

ادعاها باقی نمی ماند که بگوئید این احادیث عکس العمل اعتقادی دوازده امامی است، در صورتی که آنها یک حقیقت الهی می باشند که: «لا ینطق عن الهوی: بر اساس هوی و هوس حرف نمی زند.»^۱ و فقط اعتقاد شیعه دوازده امامی است که می گوید امامت از علی علیه السلام شروع و به مهدی علیه السلام ختم شد که قابل تطبیق با این حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه و آله است.^۲

دلیل علمی

دلیل علمی همان تجربه ای است که مردم در طی هفتاد سال که همان غیبت صغری است^۳ به دست آوردند که توضیحاتی در این مورد خواهیم آورد. غیبت صغری عبارت است از اوایل امامت حضرت مهدی علیه السلام که آن حضرت در آن زمان که در میان مردم بود، پنهان شود و اسمی از ایشان بر زبان ها نباشد، ولی با قلب و عقل خود به مردم نزدیک بود. اگر غیبت صغری همانند غیبت کبری می شد و امام علیه السلام از میان مردم می رفت، اضطراب و سردرگمی شدیدی شیعیان را در بر می گرفت و اساس آنها را متلاشی می کرد، چون تا آن زمان امام در میان مردم بود و مردم مشکلاتشان را به وسیله او حل می کردند، لذا برای اینکه این وضع پیش نیاید و مردم به تدریج به زندگی بدون امام عادت کنند، حضرت مهدی علیه السلام در ابتدا با اینکه از چشم ها پنهان بود، ولی به وسیله

۱. اشاره به این آیه دارد: ﴿و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی: بر اساس هوی و هوس حرف نمی زند، این نیست جز آنچه به او وحی می شود.﴾ نجم، آیه ۳ و ۴.

۲. عالمان بعد از تطبیق آن و درک صحت آن، در تفسیرش پریشان می شوند و مصادیقی که در مورد آن آمده را قبول نمی کنند، بلکه برخی از آنها تماما غیر معقول هستند، همچون یزید بن معاویه که فاسق علنی و بی بند و بار و کافر است، مصداق این هستند. رجوع کنید به آنچه که «سید ثامر عمیدی» از سخنان آنان نقل کرده و این مسئله به صورت دقیق و موشکافانه مورد بررسی و کاوش قرار داده و تفسیر و خیال بافی های آنان را در کتاب دفاع عن الکافی، ج ۱، ص ۵۴۰ به بعد، باطل کرد.

۳. ر.ک: غیبت صغری، سید محمد صدر.

نمایندگان خود با مردم رابطه داشت و این نمایندگان که از نظر تقوا، زهد و پاکی در میان مردم مشهور بودند، این امور را به دست گرفتند. آنها به ترتیب چهار نفر بودند:

۱. عثمان بن سعید عمری
۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری
۳. ابوالقاسم حسین بن روح
۴. ابوالحسن علی بن محمد سمری

این چهار نفر^۱ به ترتیبی که ذکر کردیم، نمایندگی امام زمان «عجل الله تعالی» را به عهده داشتند و هر گاه یکی از آنها در حال مرگ بود، جانشینش را آن حضرت معرفی می کرد.

نواب، رابط بین مردم و امام بودند که خواسته‌ها و مشکلات آنها را به آن حضرت می رساند و جواب شفاهی یا کتبی،^۲ از امام زمان «عجل الله تعالی» می گرفتند. این گونه رابطه با امام عصر، برای ملت آن زمان که از دیدار بارهبر خود محروم بودند، نوعی دلداری دادن بود.

نکته قابل توجه اینکه در طی این هفتاد سال، تمام این نامه‌ها و دست نوشته‌ها به یک شکل و خط نوشته شده که نشان دهنده این است که امام زمان «عجل الله تعالی» آنها را نوشته است.^۳

«علی بن محمد سمری» آخرین نائب امام زمان «عجل الله تعالی» بود که در پایان عصر

۱. در مورد این چهار نفر رجوع کنید به کتاب غیبت صغری، سید محمد صدر، فصل سوم، ص ۳۹۵ به بعد، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۹۸۰.

۲. این به اسم توقیعات شناخته شده که پاسخ‌های سوالاتی است که امام زمان «عجل الله تعالی» از طریق نوشتاری و گفتاری داده است. رجوع کنید به: احتجاج، طبرسی ۷ ج ۲، ص ۵۲۳ به بعد.

۳. تمام این دست خط‌ها با یک روش و به وسیله یک نفر نوشته شده است.

غیبت اعلام کرد که غیبت صغری تمام شده و غیبت کبری آغاز شده است و دیگر نائبی بین امام و مردم وجود ندارد؛ عبور و تغییر غیبت صغری به غیبت کبری در زمانی صورت گرفت که شیعیان از لحاظ علمی و شعور دینی به جایی رسیده بودند که از صدمات این دوران در امان باشند و مغزها و افکار برای این نوع تفکر آمادگی پیدا کردند که رهبر شیعه با نیابت عامه از طرف امام زمان «عجل الله تعالی» و به دست مردم، فردی متخصص انتخاب شود که به عنوان مجتهد عادل که دارای بصیرت دنیوی و دینی است، از او یاد می‌شود.

اکنون می‌توان موقعیت و مطلب را بر اساس مطالب روشن شده گذشته ارزیابی کنیم، تا اینکه به صورت کاملاً واضح و روشن درک کنیم که: مهدی علیه السلام حقیقتی است که در میان عده‌ای از مردم زیسته و شیعیان هفتاد سال تحت رهبری مستقیم او زندگی کرده‌اند که با نواب او رابطه داشته‌اند و در طی این هفتاد سال کسی این مطلب را نفهمیده بلکه با کلمات، بازی کرده یا در اقدام‌های گوناگون، خود را فریب داده و یا در رساندن مطلب، کوتاهی کرده است. شما را به خدا قسم می‌دهم! آیا می‌شود که یک موضوع دروغ، هفتاد سال به وسیله چهار نفر که از لحاظ زمان مختلف بودند، مورد ابتلای مردم باشد و کوچکترین شکی در این مورد به خود راه ندهند و پیرامون اساس و اصل آن چانه زنی کنند و گویا موضوعی است که تنها خود آن را تجربه کرده‌اند و دیده‌اند، بدون اینکه از آنان چیزی که موجب تردید و شک شود، صادر شود و بدون اینکه میان این چهار مسئله یک ارتباط ویژه‌ای وجود داشته باشد و از این بین صفاتی در رفتار خود به دست می‌آورند که مورد اطمینان و باور اکثریت یا تمام مردم و ایمان بیاورند به موضوعی که آنها ادعا می‌کنند که این موضوع همراه با زندگی آنان آمیخته شده و به طور محسوس لمس کرده‌اند.

از قدیم گفته‌اند: ریسمان دروغ، کوتاه است. بر اساس منطق تجربه زندگی، برحسب احتمال چند درصدی، هرچند که غیرممکن است این جریان دروغ باشد، و در طی این هفتاد سال برای مردمی که آن را به عنوان یک حقیقت ثابت قبول کرده‌اند، کشف نشود، بلکه به عکس، اطمینان آنها به این جریان بیشتر شد. از اینجا خواهیم دانست که پدیده غیبت صغری را می‌توان به منزله یک تجربه علمی اثبات شده، قلمداد کرد و در برابر اعتقاد به ولادت^۱ و حیات و غیبت و اعلام عمومی تسلیم شد.^۲

۶. چرا مهدی ظهور نمی‌کند؟

امام زمان «عجل الله تعالی» برای چه، این مدت طولانی را در غیبت به سر برده است؟ و اگر منظور این باشد که خود را برای رهبری جامعه آماده می‌سازد، پس چرا در همان اوایل غیبت صغری، ظهور و قیام نکرد؟ چرا پس از غیبت صغری و به جای اینکه داخل غیبت کبری شود، ظهور نکرد؟ چرا در زمان غیبت صغری که شیعیان، صفوف به هم فشرده‌ای داشتند و حکومت‌های آن زمان، قدرت اجرا و ادوات جنگی زمان حاضر را نداشتند ظهور نکرد؟

۱. ارتباط امام زمان «عجل الله تعالی» با روش‌های مخصوص شیعیان از طریق نواب و وکلا یا راه‌های دیگر، یک واقعیت تاریخی ثابت شده انکارناپذیر است. مسئله نواب و سفرای آن حضرت، از دلایل مستند زیاد دیگری که برای ایمان آوردن به کسی که باید ایمان آورد، برتر می‌باشد. این موضوع مقتضای احادیث متواتر می‌باشد، مانند حدیث: «من مات ولم يعرف امام زمانه، مات میتة الجاهلیة: هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.» و از این قبیل احادیث. مسلماً تمام این مسائل که مورد اتفاق اکثر طوائف و ملت‌های اسلامی می‌باشد، به طور قاطع پاسخگوی شبهات در مورد وجود امام زمان «عجل الله تعالی» و استمرار و ادامه زندگی مبارک و شریف او می‌باشد، ر.ک: غیبت صغری، سید محمد صدر، ص ۵۶۶.

۲. در توقیع مبارکی که از امام مهدی علیه السلام صادر شده، آمده که آن حضرت بعد از غیبت صغری به شکل کامل و روشنی، رؤیت و مشاهده نخواهد شد و این موضوع مورد اتفاق نظر علمای شیعه می‌باشد، برای اطلاع بیشتر ر.ک: غیبت صغری، سید محمد صدر، ص ۶۳۹ به بعد.

جواب: هر تغییر اجتماعی، زمانی به نتیجه می‌رسد که شرایط و امکانات آن فراهم شود که این اهداف تحقق پیدا نمی‌کند، مگر آنکه این شرایط و امکانات فراهم گردد.

عملیات انقلاب اجتماعی که منحصر به رسالت آسمانی است، متوقف بر شرایط و عوامل زمانی نیست، چون رسالت الهی و آسمانی است، نه از فراهم آمدن شرایط زمانی و اجتماعی، اما برای اجرایی شدن آن به شرایط ثابت شده و موفقیت و زمان بندی آن، ارتباط تنگاتنگی با این شرایط دارد. بنابر مقدرات الهی، زمانی در حدود پنج قرن از زندگی جاهلیت سپری شد، تا آنکه آخرین رسالت ربانی و الهی بر قلب نازنین حضرت محمد ﷺ نازل شد. چون ارتباط شرایط زمانی ثابت شده برای تحقق این امر، علی‌رغم نیاز جهانی به این رسالت، در مدت طولانی، اما نزول این رسالت می‌بایست مدتی به تأخیر افتد؛ تا شرایط لازم که برای جنبه اجرا در کار انقلاب و دگرگونی اجتماع، شامل فراهم آمدن جو مناسب و شرایط عمومی برای ایجاد انقلاب هدفمند و دیگر اینکه برخی از نیازمندی‌هایی که این حرکت و دگرگونی نیازمند باشد، فراهم گردد.

پس هنگامی که در مورد تحولی که لنین در روسیه به وجود آورد، بیندیشیم، به این مطلب می‌رسیم که پیروزی او به جنگ جهانی اول مرتبط بود، چرا که حکومت روم ضعیف شده بود و این عوامل، فضای مناسبی برای ایجاد تغییر و دگرگونی در روسیه ایجاد کرد.

البته عوامل جزئی و محدود دیگری نیز در پیروزی لنین تأثیر داشت، از جمله: سلامتی لنین در برابر مخاطرات، تا اینکه توانست داخل روسیه شود و انقلاب را رهبری کند و اگر برای او اتفاق یا حادثه‌ای پیش می‌آمد که او از بین می‌رفت، انقلاب به این سرعت در سطح شوروی فراگیر نمی‌شد.

در انقلاب‌های آسمانی سنت خداوند این است که عملیات تغییر و دگرگونی از طرف خداوند و آسمانی است، ولی از لحاظ پیشرفت و نفوذ یک سیر طبیعی را می‌پیماید و تا زمانی که فضای مناسبی برای ایجاد یا رشد انقلاب پیش نیاید، این امر صورت نمی‌گیرد؛ از جمله این که اسلام بعد از مدتی از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا ظاهر شد و پیشرفت کرد.

پس اگر خداوند بخواهد، می‌تواند این فضا و آمادگی را به صورت معجزه بیافریند، در حالی که این کار برخلاف سنت خلقت است، چون آفرینش انسان بر مبنای امتحان و ابتلا و تلاش خود او و گذار شده است، چون تکامل انسان بستگی به این امتحان و ابتلا دارد و باید که عمل دگرگونی و تغییر الهی سیر طبیعی خود را طی کند. البته هنگامی که انقلاب در سطح جامعه جای گرفت، اگر موانع و مشکلاتی بر سر راه این انقلاب باشد، گاهی اوقات با کمک‌ها و عنایات غیبی خداوند رفع می‌شود، تا مجریان این انقلاب دچار سختی نشوند، از جمله اینکه خداوند، آتش نمرود را بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت قرار داد.^۱ همچنین دست یهودی فریبکار را که با شمشیری بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته بود، کوتاه کرد و او را از حرکت باز انداخت.^۲

همچنین خداوند با فرستادن تند بادی مهیب، خیمه‌های کفار و مشرکین را

۱. اشاره به این آیه دارد: ﴿قَالُوا خَرَقُوهُ وَأَنْصُرُوا آلِهِتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ، قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ: گفتند: کاری که از شما ساخته است این است که او را بسوزانید و یاری دهنده خدایان خود باشید. گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش. آنها قصد نیرنگی به او داشتند و ما زیانکاران کردیم.﴾ انبیاء، آیه ۷۰-۶۷.

۲. ر.ک: تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۳ و بحار، ج ۱۸، ص ۴۷ و ۵۲ و ۶۰ و ۷۵، باب معجزات نبی صلی الله علیه و آله.

که در روز خندق در اطراف مدینه بودند را کند و ترس را به جان آنها انداخت.^۱ این را بدانید که این گونه کمک‌رسانی‌ها منافاتی با طبیعی بودن انقلاب ندارد و مشخص شد که تا فراهم شدن فضای مناسب، امام زمان «عجل الله تعالی» در غیبت به سر خواهد برد.

در پرتو این مطالب دانسته شد که او فقط برای دگرگونی اجتماعی محدود ذخیره نشده است، بلکه خداوند او را برای ایجاد تغییر و دگرگونی تمام عالم هستی ذخیره کرده تا تمام مردم را از تاریکی آزاد کند و نور عدالت را در جهان منتشر نماید.^۲

اجرای این تغییر و دگرگونی بزرگ، فقط با تلاش او و قدرت الهی و ولایت تکوینی اش کافی نمی‌باشد، و گرنه تمام این شرایط را وجود مقدس پیامبر ﷺ دارا بود، پس برای تحقق این انقلاب، احتیاج به فضای مناسب و جوی عمومی و آماده و یک محیطی طبیعی است.

آمادگی اجتماعی یعنی رشد فکری و شعور کامل اجتماعی که مردم خود را آماده دریافت عدالت می‌کنند و این شعور در بین تجربیات گوناگون مردم در طول مدت زمان‌هایی به دست می‌آید، می‌فهمند که به کمک نیاز دارند، با فطرت پاکش یا به جهان غیبت یا وجود مجهول و پنداری متوجه می‌شوند. از نقطه نظر مادی: شرایط زندگی نوین و پیشرفته مادی می‌تواند توانمندتر از شرایط زندگی گذشته و یا عصرهای پیشین باشد، مانند عصر غیبت صغری، بر

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۴، حوادث سال پنجم هجری.

۲. همان گونه که در حدیث نبوی به این مطلب اشاره شده که: «اگر یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از من یا از اهل بیتم را برانگیزد و زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.»

رک: التاج الجامع للاصول، منصور علی ناصف، ج ۵، ص ۳۶۰.

پیاده کردن احکام دین و شریعت در کل جهان باشد، به این دلیل که وسایلی وجود دارد که مسافت‌های دور را نزدیک می‌کند و ارتباط‌های سخت با ملت‌های دیگر را آسان می‌نماید. فراهم آمدن ابزار و وسایلی که ابزار اصلی برای بیداری ملت‌های جهان بر اساس این دین و رسالت الهی می‌باشند و برای تحقق این امر، کمک شایانی می‌کنند.

اما مطلبی که در پرسش به آن اشاره شد، این است که اگر امام زمان «عجل الله تعالی» در غیبت صغری قیام می‌کرد با مشکلات کمتری روبه‌رو بود؟ چون در آن زمان حکومت‌ها از لحاظ قدرت و ادوات جنگی در حد پایینی قرار داشتند و این مطلب درستی است، ولی باید به این مطلب توجه داشت که لشکریان آنها هر چقدر که قوی باشند در مقابل شکست روحی کاری نمی‌توانند انجام دهند، سربازی که قدرتمند است و ادوات جنگی دارد، هنگامی که از لحاظ روحی شکست خورده باشد، چه کاری می‌تواند بکند؟ و چه بسیار جریاناتی در این مورد که در تاریخ نقل شده است^۱!

۷. تغییر تاریخ به دست یک نفر

سوال دیگری در اینجا مطرح می‌شود که: آیا می‌شود که انسانی آنقدر قدرت داشته باشد که بتواند به تنهایی تاریخ را تغییر دهد و این نقش بزرگ را ایفا کند؟ آیا آن انسان، کسی نیست که شرایط، او را پیشنهاد می‌کند، تا به وسیله او حرکت انقلاب‌های اجتماعی تحقق یابد.

۱. مصداقی برای این مقوله که شهید صدر بر اساس اطلاع عمیق او نسبت به جامعه بشری بیان کرده، مشاهده کردیم، در سال‌های ۹۰ میلادی اتحاد جماهیر شوروی که یکی از دو قطبی که بر جهان مسلط بوده‌اند، با سرعت بسیار زیاد متلاشی شد، به صورتی که باعث شگفتی همگان گردید.

تفکر پیرامون این سوال با نظریه خاصی از تفسیر تاریخ رابطه دارد و آن این است که: انسان، عامل دوم سازندگی تاریخ است.^۱ و فقط می‌تواند تاریخ را بازگو کند و شخصیتی در میان شخصیت‌های تاریخ باشد و عامل اصلی و اساسی، محیط و شرایط اجتماعی است.

در برخی از کتاب‌ها که تألیف نموده‌ایم^۲ توضیح داده‌ایم که تاریخ دو قطب است:

۱. انسان‌ها

۲. نیرو مادی مسلط بر اجتماع

همان گونه که قدرت مادی و فضای محیط و طبیعت در انسان اثر می‌گذارد، همان طور نیز انسان در نیروهای مادی و محیط تأثیر می‌گذارد و اصولاً این فرضیه که گفته‌اند: حرکت از ماده شروع می‌شود و به انسان منتهی می‌شود. دلایلی دارد؛ عکس آن نیز هست که می‌گوئیم: حرکت از انسان شروع می‌شود و به ماده ختم می‌شود، پس انسان و ماده همیشه در طول تفاعل یکدیگر هستند، پس امکان دارد که کسی برای تغییر تاریخ بزرگتر باشد و می‌تواند در مقابل تمام عوامل بایستد و به تنهایی تاریخ تازه‌ای بسازد، به خصوص اینکه آن فرد دارای رسالت آسمانی باشد.^۳ و امدادهای غیبی او را بر همه چیز مسلط می‌کند. این موضوع در تاریخ پیامبران، بخصوص تاریخ پیامبر ﷺ دیده شده است.

در حقیقت پیامبر ﷺ به حکم و اساس ارتباط رسالت او با خداوند متعال،

۱. اشاره دارد به نظریه مادی تاریخی، یعنی تفسیر مارکسی برای تاریخ. ر.ک: اقتصاد ما، ج ۱،

ص ۱۹ که در آن تحلیل علمی و سخنان فلسفی عمیقی از قلم شهید صدر وجود دارد.

۲. اشاره به کتاب فلسفه ما و مقدمه کتاب اقتصاد ما.

۳. ر.ک: کتاب الابطال: توماس کارلیل، ترجمه دکتر سباعی، سلسله الالف کتاب، مصر.

خود، زمام حرکت تاریخ را به عهده گرفت و تمدنی به وجود آورد که شرایط زمانی و مکانی قادر به ایجاد این تمدن نبود. این موضوع را به صورت مشروح و مفصل در مقدمهٔ دوم کتاب «الفتاوی الواضحه» بیان کردیم.

ممکن است همان کاری که به دست پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شد، به دست فرزندش امام زمان «عجل الله تعالی» انجام گیرد. همانطور که آن حضرت نیز وقوع این دوان عظیم را بشارت داده است.^۱

۸. تغییر و دگرگونی در روز موعود از چه راهی و چگونه رخ می دهد؟

آخرین سوال از سوالاتی که طرح کردیم، این است که از چه راهی می توان تصور کنیم که در این راه آن شخص به پیروزی قاطع برای برقراری عدالت و نابودی پایه های ظلم و استکباری که با او در ستیز خواهند شد، دست می یابد؟

جواب این سوال به این مربوط است که: بدانیم زمان و ساعت ظهور مهدی علیه السلام چه هنگامی است؟ و امکان فرض آنچه که آن مرحله دارای امتیازات ویژه ای و پیچیدگی های خاصی باشد، تا اینکه در پرتو آن تصویری که انقلاب و دگرگونی در آن رخ می دهد و راهی که طی خواهد نمود، ترسیم کنیم. بنابراین تا زمانی که آن شرایط و مراحل برای ما ناشناخته هستند و پیچیدگی های آن برای ما پوشیده است، امکان شناخت و اطلاع رسانی علمی و آنچه که در روز

۱. التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۲۴۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی از من است، پیشانی درخشان، بینی کشیده و باریک دارد و زمین را پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد، پر از عدل و داد می کند.»

موعود، چه اتفاق خواهد افتاد، وجود ندارد. و اگر فرض و تصورات پیشتر افراد این زمینه را فراهم کند که امکان تصور آن وجود دارد، این تصور چیزی جز تصور ذهنی و خیالی نیست و بدور از شالوده‌های عینی و علمی و حقیقی می‌باشد.

ولی ممکن است در پرتو احادیثی که در مورد امام زمان «عجل الله تعالی» آمده^۱ و تجاربی که از انقلاب‌های بزرگ در تاریخ آموخته‌ایم، یک صورت اساسی برای تغییر و دگرگونی روز موعود فرض کنیم و آن این است که ظهور مهدی علیه السلام زمانی اتفاق خواهد افتاد که بشریت دچار خلاء فکری و حکومت‌های اختناق آوری می‌گردد.^۲ و این سقوطی است که نسل انسان را تهدید به نابودی می‌کند و به خاطر یک حادثه و تصادف آنی اتفاق نیفتاده است، بلکه این حالت نتیجه طبیعی سیر زندگانی انسان بوده که از تناقضات تاریخی منقطع از خدا در زندگی انسان نشأت گرفته است و در آن زمان است که انسان دست به هر کاری می‌زند تا از این راه نجات یابد، ولی نمی‌شود و این تفکر در ذهن انسان جوشش می‌گیرد که آتش ظلم مهار شود و عدل آسمانی بر روی زمین اجرا شود.

۱. می‌توان به نشانه‌های ظهور و یا درگیری‌ها و وقایعی که پیش از ظهور و یا همراه ظهور که براساس روایات وارده که تصویری از وقایع صحیحی در آن آمده، به بحث مفصل و مبسوط کتاب عصر ظهور، سید محمد صدر رجوع کرد و نیز ر.ک: ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۵۶ به بعد و الاشاعة لا شرائط الساعة، محمد حسین برزنجی.

۲. این اشاره‌ای به آن دارد که جامعه انسانی به دلیل درگیری‌ها و سبقت گرفتن از یکدیگر در میان تمدن مادی و مجموعه‌های سیاسی، به آن سو کشیده می‌گردد که منجر به ناکامی در تحقق امنیت، آرامش و خوشبختی انسان می‌شود. نشانه‌های این خلاء روز به روز و رفته رفته در عصر ما و در تمام ساکنان زمین نمایان می‌گردد. برای کسی که اخبار و گزارش‌ها و تفسیرهای خبری، سیاسی را دنبال می‌کند، این مسئله بسیار خوب و لمس شده است. البته روز موعود دور نخواهد بود.

حمد سپاس مخصوص خداوندی که آفریدگار جهانیان است و سلام و درود
بر محمد و خاندان پاکش، نگارش این کتاب در روز ۱۳ جمادی الثانی سال
۱۳۹۷ هـ ق شروع و در هفدهم همان ماه تمام شد.

والله ولی التوفیق محمدباقر صدر نجف اشرف

پایان تحقیق این کتاب در ماه رجب المرجب سال ۱۴۱۶ هـ ق

در شهر مقدس قم به پایان رسید. دکتر عبدالجبار شراره.

منابع تحقیق

۱. احتجاج، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از علما قرن ششم. تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمد هادی، زیر نظر علامه شیخ جعفر سبحانی، نشر اسوه، وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ اول ۱۴۱۳ هجری.
۲. ارشاد، شیخ محمد بن نعمان مفید (ت/۴۱۳ هجری) چاپ تهران، ۱۳۷۷ هجری.
۳. الاصول العامة للفقہ المقارن، علامه محمدتقی حکیم، چاپ دوم، موسسه آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث، بیروت ۱۹۷۹ میلادی.
۴. اصول کافی، شیخ محمد بن یعقوب کلینی (ت/۳۲۹ هجری)، انتشارات مکتب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ هجری.
۵. الاشارة لاشراط الساعة، سید شریف محمد بن رسول حسینی برزنجی (۱۱۰۳ هق) چاپ اول، انتشارات عبدالحمید احمد حنفی، قاهره، (۱۳۷۰ هش).
۶. اقتصاد ما، «اقتصادنا» شهید محمد باقر صدر، چاپ دارالفکر - بیروت.
۷. بحار الانوار، علامه شیخ محمد باقر مجلسی (ت/۱۱۱۱ هق) چاپ دارالکتب الاسلامیه - تهران.
۸. الباب الحادي عشر و شروحه، علامه ابومنصور حسن بن یوسف حلی (ت/۷۲۶ هق) تحقیق: دکتر مهدی محقق، انتشارات موسسه آستانه رضوی ۱۳۶۸ هجری.
۹. التاج الجامع للاصول في احاديث الرسول شيخ منصور علي ناصف، از علماء الازهر، انتشارات مکتب پاموق استانبول، چاپ سوم، دارالاحیاء الکتب العربیه ۱۳۸۱ هق/۱۹۶۱ م.
۱۰. تاریخ الامم والملوک، امام ابو جعفر محمد بن جریری طبری (ت/۳۱۰ هق) چاپ استقامت قاهره، ۱۹۳۹ م.
۱۱. تبصرة الولي فيمن رای القائم المهدي، سید هاشم بحرانی، انتشارات موسسه معارف اسلامی، قم.
۱۲. التصوف والكرامات، شیخ محمدجواد مغنیه، چاپ بیروت.

١٣. تفسير قرآن عظيم، ابن كثير دمشقى (ت/٧٧٤هـ) چاپ جديد، انتشارات معرفت، بيروت، ١٩٩٤م.

١٤. الجامعة الاسلاميه (مجله)، سال اول، شماره سوم، مدينه منوره، ١٩٦٩م.

١٥. الحاوي للفتاوي، جلال الدين سيوطى (ت/٩١١هـ) چاپ دارالكتاب العربي، بيروت.

١٦. حق اليقين في معرفة اصول الدين، سيد عبدالله شبر (ت/١٢٤٢هـ) چاپ عرفان، صيدا، ١٣٥٢ هجرى.

١٧. دفاع عن الكافى، ثامر هاشم عميدى، نشر مركز غدير دروس اسلامى، قم، ١٩٩٥م.

١٨. سنن ابن ماجه، حافظ ابو عبدالله محمد بن يزيد قزوينى (ت/٢٧٥هـ) تحقيق محمد فواد عبدالباقي، دارالفكر - بيروت.

١٩. السيرة النبوية، ابن هشام (ت/٢١٨هـ) تحقيق: عبدالحفيظ شلبى، مصطفى السقا، ابراهيم الابيارى، چاپ مصطفى البابي الحلبي، مصر ١٣٥٥هـ/١٩٣٦م.

٢٠. صحيح مسلم، مسلم بن حسين قشيري (ت/٢٦١هـ) چاپ دوم، دارالاحياء التراث العربى - بيروت ١٩٧٨م.

٢١. صحيح بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بخارى (ت/٢٥٦هـ) نشر موسسه تاريخ عربى - بيروت.

٢٢. صحيح سنن المصطفى، ابوداود سليمان بن الاشعث سجستانى (ت/٢٧٥هـ) نشر دارالكتاب عربى، بيروت.

٢٣. الصواعق المحرقة، ابن حجر الهيتمى (ت/٩٧٤هـ) چاپ اول، انتشارات الميمنية، مصر، ١٣١٢ هجرى.

٢٤. تاريخ غيب صغرى، محمد صدر، نشر دارالتعارف للمطبوعات، بيروت.

٢٥. غاية المأمول شرح التاج الجامع للاصول، شيخ منصور على ناصف، چاپ بهامش التاج الجامع للاصول.

٢٦. الفتاوى الواضحة، شهيد امام محمدباقر صدر، نشر دارالتعارف للمطبوعات، بيروت.
٢٧. فلسفة ما «فلسفتنا»، شهيد امام محمدباقر صدر، چاپ سوم، دارالفکر، بيروت، ١٩٧٠ م.
٢٨. الفصول المهمة، ابن الصباغ المالکی (ت/٨٥٥هـ) چاپ عدل، نجف اشرف.
٢٩. الفصول المهمة، في تأليف الامة علامه سيد عبدالحسين شرف الدين، نشر مؤسسة بعثت، تهران.
٣٠. المستدرک علی الصحیحین، ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (ت/٤٠٥هـ) دارالفکر، بيروت، ١٣٩٨ هجرى.
٣١. مسند الامام احمد بن حنبل، انتشارات دارصادر، بيروت.
٣٢. مع الانبياء، عفيف عبدالفتاح طباره، نشر مكتب شريف رضى، قم، چاپ اول، ٤١٣ هـ.
٣٣. مقاتل الطالبين، ابوالفرج على بن حسين بن محمد اصفهاني (ت/٣٥٦هـ)
٣٤. الملل والنحل، ابوالفتح محمد بن عبدالكريم شهرستاني (ت/٥٤٨هـ) چاپ مكتب الانجلو مصر.
٣٥. المهدي الموعود المنتظر، عند علماء اهل السنة و الامامية شيخ نجم الدين جعفر بن محمد عسكري، نشر مؤسسة امام مهدي عليه السلام قم، ١٤٠٢ هجرى.
٣٦. موسوعة امام مهدي، انتشارات مكتب امام امير المؤمنين عليه السلام، اصفهان، چاپ خيام، قم، ١٤٠١ هجرى.
٣٧. معجم احاديث امام مهدي عليه السلام، تأليف و نشر مؤسسة معارف اسلامي، قم، چاپ اول ١٤١١ هـ، زير نظر شيخ على كوراني.
٣٨. ينابيع المودة، شيخ سليمان بن ابراهيم قندوزي حنفي، مؤسسة الاعلمي، بيروت.

گزیده‌ای از منشورات مسجد مقدس جمکران

امام مهدی علیه السلام

قیمت	قطع	نویسنده/مترجم	نام کتاب
۶۰۰۰	رقعی	محمود نرحمی	آخرین پناه
۳۰۰۰	پالتویی	مسلم پور وهاب	آن آشنا آمد
۱۵۰۰۰	رقعی	واحد پژوهش انتشارات	آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)
۱۵۰۰۰	وزیری	حسین گنجی	ارتباط معنوی با حضرت مهدی
۶۵۰۰	رقعی	واحد پژوهش انتشارات	امامت، غیبت، ظهور
۵۰۰۰	رقعی	علم‌الهدی / واحد تحقیقات	امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام
۲۰۰۰	جیبی	سید صادق سید نژاد	امام مهدی در کلام امام علی (چهل حدیث)
۵۰۰۰	رقعی	حسن محمودی	امید آخر
۱۳۰۰۰	رقعی	سکینه طاووسی	انتظار از دیدگاه روایات اهل بیت
۳۰۰۰	پالتویی	واحد تحقیقات	انتظار بهار و باران
۴۰۰۰	رقعی	واحد پژوهش	انتظار چیست؟ منتظر کیست؟
۴۰۰۰	رقعی	عزیز الله حیدری	انتظار و انسان معاصر
۱۵۰۰۰	رقعی	احمد سعیدی	اوصاف المهدی (اسامی و القاب)
۴۵۰۰	پالتویی	محمد خامه یار	اولین‌های مهدویت
۳۰۰۰	رقعی	مرتضی محیطی	او هر جا که هست مرا دوست دارد
۱۱۰۰۰	رقعی	محمد جواد مروّجی طبسی	بامداد بشریت
۵۵۰۰	پالتویی	مسلم پور وهاب	پایان انتظار
۱۳۰۰۰	رقعی	محمد رضا اکبری	پرچم هدایت
۷۵۰۰	رقعی	میرزا حسین طبرسی نوری	تشریح یافتگان (دفتر اول)
۹۰۰۰	رقعی	میرزا حسین طبرسی نوری	تشریح یافتگان (دفتر دوم)
۷۰۰۰	رقعی	میرزا حسین طبرسی نوری	تشریح یافتگان (دفتر سوم)
۷۰۰۰	رقعی	میرزا حسین طبرسی نوری	تشریح یافتگان (دفتر چهارم)
۲۴۰۰۰	رقعی	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی	تکالیف بندگان نسبت به امام زمان

۳۵۰۰	پالتویی	سید غلام رضا حسینی	تمنای وصال
۳۰۰۰	پالتویی	مسلم پور وهاب	جزیره خوشبختی
۹۵۰۰	رقعی	حسین علی پور	جلوه‌های پنهانی امام عصر
۶۰۰۰	رقعی	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی	چگونگی دعا برای تمجیل فرج امام عصر
۶۰۰۰	رقعی	سید مهدی حائری قزوینی	چگونه امام زمان را یاری کنیم؟
۲۱۰۰۰	رقعی	محمد محمدی اشتهاردی	حضرت مهدی فروغ تابان ولایت
۱۲۰۰۰	رقعی	رضا استادی	خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)
۱۶۰۰۰	وزیری	محمد علی مجاهدی (پروانه)	خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)
۳۵۰۰۰	وزیری	شیخ محمود عراقی میثمی	دارالسلام
۲۰۰۰۰	رقعی	حسن ارشاد	داستان‌هایی از امام زمان
۸۵۰۰	رقعی	علی مهدوی	داغ شقایق (مجموعه اشعار)
۳۵۰۰	پالتویی	مسلم پور وهاب	در آسمان عشق
۴۵۰۰	رقعی	صافی، سبحانی، کورانی	در جستجوی نور
۲۵۰۰	پالتویی	اسماء خواجه‌زاده	ذخیره خدا
۲۴۰۰۰	وزیری	مفید فیاضی	ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور
۹۰۰۰	رقعی	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی	زمان و مکان دعا برای حضرت صاحب‌الزمان
۴۰۰۰	رقعی	واحد پژوهش	سخنرانی مراجع در مسجد جمکران
۵۰۰۰	رقعی	الله بهشتی	سرود سرخ انار
۲۰۰۰	رقعی	ظهورا حیدری	سقا خود تشنه دیدار
۱۵۵۰۰	وزیری	دکتر عبداللهی	سیمای امام مهدی در شعر عربی
۹۵۰۰۰	وزیری	محمد امینی گلستانی	سیمای جهان در عصر امام زمان
۱۸۵۰۰	وزیری	محمد علی مجاهدی (پروانه)	سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی
۷۰۰۰	رقعی	علی اصغر رضوانی	شرح چهل حدیث حضرت مهدی
۵۰۰۰	رقعی	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی	شناخت حقوق و مواجیم حضرت مهدی
۶۰۰۰	رقعی	مؤسسه فرهنگی توحید	صبح فرا می‌رسد
۶۵۰۰	رقعی	زهرا برقی	صفای دل

۳۸۰۰۰	وزیری	سید اسد الله هاشمی شهیدی	ظهور حضرت مهدی از دیدگاه ادیان
۴۲۰۰۰۰	وزیری	علی اکبر نهاوندی	العقبی الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان
۸۰۰۰	رقعی	سید صادق سید نژاد	عریضه نویسی
۳۵۰۰	رقعی	حامد حجتی	عطر سبب
۷۵۰۰	پالتویی	مسلم پور وهاب	عطر یاس
۱۱۰۰۰	رقعی	سید مجید فلسفیان	علی و پایان تاریخ
۵۸۰۰۰	وزیری	شیخ طوسی / مجتبی عزیزی	غیبت شیخ طوسی (متن و ترجمه)
۵۵۰۰	رقعی	حسن محمودی	قریادرس
۹۰۰۰	وزیری	محمد باقر فقیه ایمانی	فوز اکبر
۵۵۰۰	رقعی	واحد تحقیقات	کرامات المهدی
۱۰۰۰۰	رقعی	واحد تحقیقات	کرامت‌های حضرت مهدی
۹۰۰۰	رقعی	محمد تقی اکبر نژاد	کلمات قصار امام زمان
۱۰۰۰۰۰	وزیری	شیخ صدوق (ر)	کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد)
۳۰۰۰۰	رقعی	علی اصغر یونسیان	گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)
۱۵۰۰۰	رقعی	آیت الله صافی گلپایگانی	گفتمان مهدویت
۲۸۰۰۰	رقعی	محمد رحمتی شهرضا / حسین احمدی قمی	گوهرهای ناب در کلام امام زمان
۲۰۰۰	پالتویی	مسلم پور وهاب	مسافر گمشده
۵۰۰۰	رقعی	علی مؤذنی	مفرد مذکر غائب (نمایشنامه)
۷۲۰۰۰	وزیری	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی	مکیال المکارم (دو جلد)
۴۰۰۰	رقعی	حسین ایرانی	منجی موعود از منظر نهج البلاغه
۱۰۰۰۰	رقعی	عزیز الله حیدری	مهدی تجسم امید و نجات
۱۸۰۰۰	رقعی	العمیدی / محبوب القلوب	مهدی منتظر در اندیشه اسلامی
۵۰۰۰	جیبی	احمد سعیدی	مهدی موعود در کلام پیامبر محمود
۱۲۰۰۰۰	وزیری	علامه مجلسی / ارومیه‌ای	مهدی موعود (دو جلد)
۵۰۰۰	رقعی	حسن محمودی	مهربان‌تر از مادر
۹۰۰۰	رقعی	محمد حسن شاه‌آبادی	مهر بیکران

۸۰۰۰	رقعی	سید مهدی حائری قزوینی	میثاق منتظران «۱» شرح زیارت آل یاسین
۱۰۰۰۰	رقعی	سید مهدی حائری قزوینی	میثاق منتظران «۲» شرح زیارت آل یاسین
۳۰۰۰	پالتویی	واحد تحقیقات	ناپیدا ولی با ما (فارسی) ویژه دانش‌آموزان
۶۰۰۰	رقعی	محمد تقی اکبر نژاد	نامه‌های جوانان به امام زمان
۶۰۰۰	رقعی	محمد تقی اکبر نژاد	نامه‌های دختران به امام زمان
۵۰۰۰	رقعی	محمد تقی اکبر نژاد	نامه‌های نوجوانان به امام زمان
۱۷۰۰۰	رقعی	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی	نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی
۷۵۰۰۰	وزیری	میرزا حسین نوری (ر)	نجم الثاقب (دو جلدی)
۱۶۰۰۰	وزیری	محمد خادمی شیرازی	نشانه‌های ظهور او
۶۰۰۰	رقعی	مهدی علیزاده	نشانه‌های یار و چکامه انتظار
۱۰۰۰۰	رقعی	احمد سعیدی	نشانه‌هایی از مهدی
۶۵۰۰۰	رقعی	محمد مولوی	نیاز جهان به امام زمان
۴۵۰۰	رقعی	الله بهشتی	و آن‌که دیرتر آمد
۲۵۰۰	جیبی	واحد تحقیقات	وظایف منتظران
۶۰۰۰	رقعی	محمود ترخمی	وعده دیدار
۲۸۰۰۰	رقعی	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی	ویژگی‌های امام زمان
۴۵۰۰۰	وزیری	محمد رحمتی شهرضا	هزار و یک نکته پیرامون امام زمان
۹۰۰۰	رقعی	مهدی فتلاوی / بیژن کرمی	همراه با مهدی منتظر
۲۰۰۰	پالتویی	مسلم پور وهاب	یا ابی‌صالح
۲۲۰۰۰	وزیری	محمد خادمی شیرازی	یاد مهدی
۳۰۰۰۰	رقعی	محمد حجّتی	یار غالب از نظر (مجموعه اشعار)